

حاشی از حق

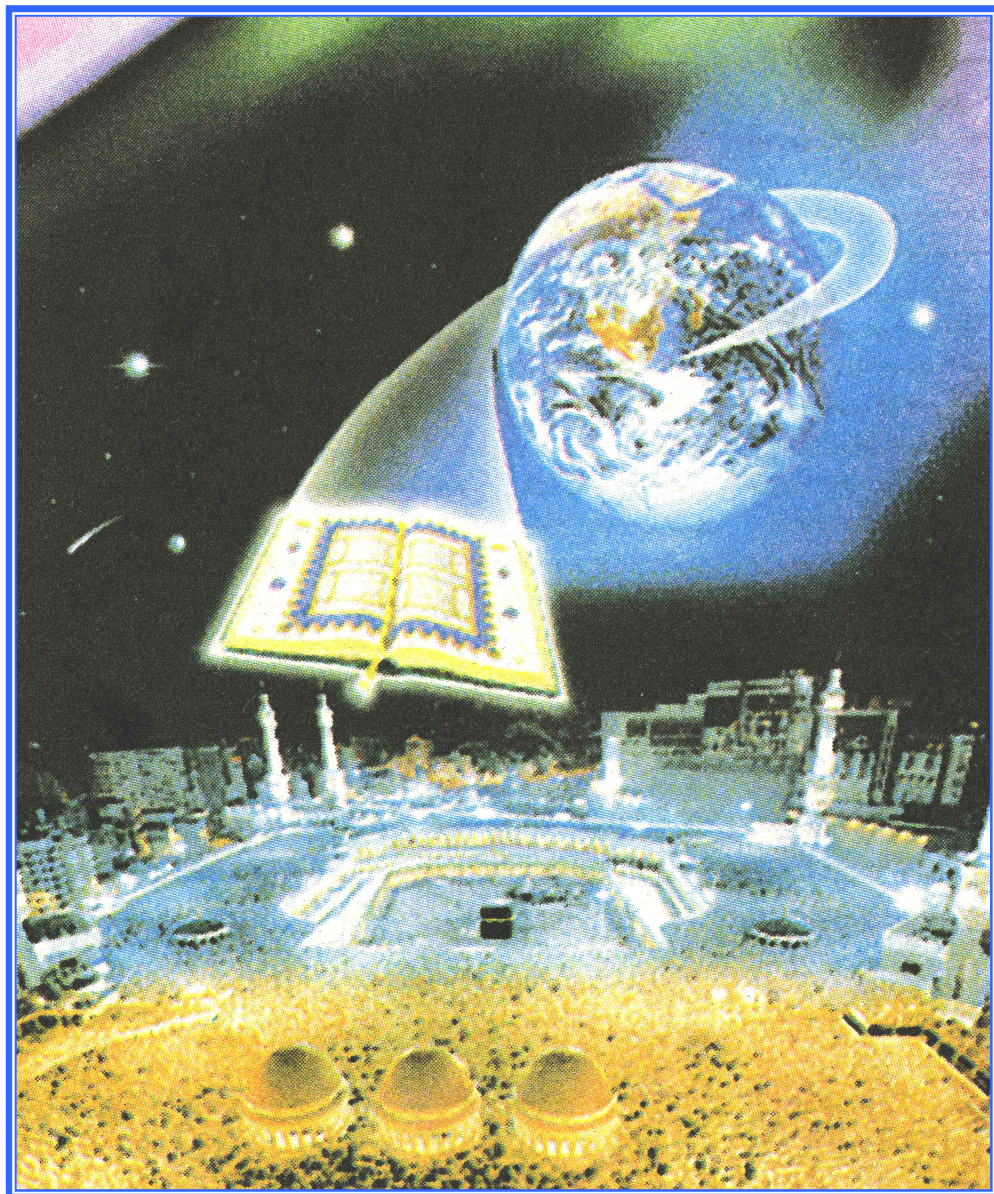
در قرآن کریم و سخنان بزرگان



محمد مسعود بهمنی

تقديم به

صاحب عصر و الزمان حضرت حجت ابن الحسن العسكري مهدي موعود (عج)
و پيروان حق و حقيقت و مظلومان تاريخ



فهرست

عنوان:

صفحه:

مقدمه

4

5

فصل اول: حق و حقیقت در قرآن کریم

6	1- حق از جانب خداوند آمده است
10	2- حق را نبوشانید
12	3- حق به معنای سزاوار و میل و رغبت
15	4- کشتن بنا حق انبیاء الهی
17	5- قرآن آیات حق است و از جانب خداوند است
25	6- آشکار و ثابت شدن حق
27	7- تغییر قبله حق است
28	8- رسول و انبیاء حق و راست هستند
32	9- وعده الهی حق است
38	10- حکم و فرمان الهی حق است
40	11- سخن ناحق نگفتن و حرف حق زدن
43	12- تکذیب حق و تمسخر آن
44	13- عذاب قیامت حق است
47	14- خداوند حق است
50	15- آفرینش آسمانها و زمین حق است
53	16- قدر شناسی و شناخت خداوند حق است
54	17- کشتن باید به حق باشد (به جا آوردن حق جهاد)
55	18- مرگ و روز قیامت حق است
57	19- ظلم و گناه و شرارت حق نیست (نا حق است)
59	20- حق پیروز است
60	21- تکبر در زمین حق نیست (نا حق است)
61	22- هدایت بحق یافتن

62	23-	اهل ایمان بحق هستند
64	24-	دین اسلام حق است
66	25-	فرستادن فرشتگان بحق است
67	26-	ادای حقوق خویشاوندان و محرومان
68	27-	حق تابع هوای نفس نیست
69	28-	سوره هایی که در آن کلمه حق وجود ندارد.

70 فصل دوم: حق و حقیقت در سخنان حضرت علی (ع)

71	1-	اصل بر پا داشتن حق
73	2-	حق گرایی برترین معیار در سیاست و مدیریت
74	3-	توصیف حق و عمل به آن
74	4-	مقدم داشتن حق بر منافع شخصی و گروهی
75	5-	پایبندی به حق و پایداری در آن
77	6-	انتقاد پذیری، شرط بر پا داشتن حق
78	7-	قاطعت و سازش ناپذیری در برپا داشتن حق

80 فصل سوم: حق و حقیقت در سخن بزرگان

92 فصل چهارم: حق و حقیقت در دعا ها و زیارت نامه ها

مقدمه:

کلمه حق از سه واژه ح-ق-ق تشکیل گردیده است که 287 مرتبه در قرآن کریم آمده است. مصداق کلمه حق وجود خداوند است و به طرفداران خداوند نیز حق می گویند. کلمه حق بمعانی متفاوت در قرآن کریم آمده است که بتعدادی از معانی آن اشاره می کنیم: راستی - یقین - عدل و عدالت - مرگ - قیامت - عذاب الهی - خداوند قرآن کریم - انبیاء و ... کلمه حق متضاد کلمه باطل است و حق به هر چیزی که در جای خود قرار گیرد اطلاق می گردد کلمه حق از اسماء و صفات خداوند متعال است و بمعنای ثابت بکار برده شده است. در قرآن کریم حق تشبیه به آب شده است در واقع، قوانین خداوند در شکل طبیعت و قوانین خداوند در شریعت می باشد. کلمه حق به تعداد 176 بار در سوره های مکی آمده است و 111 بار در سوره های مدنی از آن نام برده شده است. حضرت علی (ع) که نمونه عینی حق و حقیقت هستند می فرمایند:

((حق سنگین است اما گوارا و باطل سبک است اما در کام چون سنگ خارا می باشد))

و در جای دیگر می فرمایند که ((حق بگوئید تا به حق معروف شوید و حق را بکار بندید تا از اهل حق باشید)) و در طول تاریخ بشریت پیروان واقعی حق و حقیقت همیشه پیروز واقعی بوده اند گرچه در مقطعی شکست خورده اند از جمله حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) که در صحرای کربلا به همراه یاران باوفایش بوسیله شقی ترین و باطل ترین انسانها به درجه رفیع شهادت نایل گردیدند. اگر به ظاهر در درگیری روز عاشورا شکست خوردند و به ظاهر سپاهیان یزید پیروز شدند ولی تاریخ ثابت کرد که خون به ناحق ریخته امام حسین (ع) و یاران باوفایش همیشه پایدار و جاوید خواهند ماند و شکست خورده واقعی یزید و سپاهیان او بودند، به خاطر اینکه امام حسین (ع) در راه حق و حقیقت به شهادت رسیدند و راضی به رضای خداوند و تسلیم فرمان و امر خداوند بودند.

در این کتاب با توجه به اهمیت حق و حقیقت، در صدد بر آمدم که این واژه مقدس را در آیات قرآن کریم جستجو نموده و بمعانی آن بپردازم و همچنین از سخنان ائمه اطهار و بزرگان دین و تاریخ نیز استفاده کردم تا این واژه بیشتر شناخته شود. امید است مطلوب نظر پیروان حق و حقیقت قرار بگیرد و خداوند ما را نیز از رهروان راه حق قرار دهد.

محمد مسعود بهمنی

27 بهمن ماه 1385 شمسی

مصادف با 27 محرم الحرام 1428 هجری قمری

فصل اول:

حق و حقیقت در قرآن کریم

1- حق از جانب خداوند آمده است

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ¹ ٢٦

خدا را باک و ملاحظه از آن نیست که به پشه (کوچک) و چیزی بزرگتر از آن مثل زند پس هر مثل که آرد نهائیکه بخدا ایمان آورده‌اند میدانند که آن مثل از جانب پروردگار آنهاست اما کسانی که کافر شدند میگویند خدا را از این مثل چه مقصود است؟ گمراه میکند بآن مثل بسیاری را و هدایت میکند بسیاری را و گمراه میکند بآن مگر فاسقان را ² ٢٦

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ² ٦٠

سخن حق همانست که از جانب خدا بتو رسید مبدا هیچگاه در آن شک و ریب کنی ³ ٦٠

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ³ ٦٢

این داستان بحقیقت سخن حق است و جز آن خدای یکتا خدائی نیست و خداست که بر همه کار توانا و به هم حقایق عالم داناست ⁴ ٦٢

حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ⁴ ١٠٥

¹ بقره آیه 26
² آل عمران آیه 60
³ آل عمران آیه 62
⁴ اعراف آیه 105

سزاوار آنم که از طرف خدا چیزی جز بحق بخلق نگوییم دلیلی بس روشن (معجزه بسیار آشکار و حجتی محکم و استوار) از جانب پروردگار عالم برای شما آوردم پس (تو ای فرعون) بنی اسرائیل را با من بفرست (و از آزار آنان دست بردار) ﴿ ۱۰۵ ﴾

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَ يَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأُخْرَىٰ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦٩﴾

پس از آنکه پیشینیانشان درگذشتند اخلاف و بازماندگانشان که وارث کتاب آسمانی شدند (خدا و آخرت را بکلی فراموش کرده و) متاع پست دنیا را برگزیدند (و هر گناه که کردند) گفتند ما بخشیده خواهیم شد و چنانچه مثل آن مال از متاع دنیا که یافتند باز (از هر راه حرام و خیانت) بیابند (بحرص و آز) بگیرند . آیا از آنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نشد که بخدا جز حرف حق و سخن راست نسبت ندهند و آنچه در کتابست درس گیرند (و عمل کنند) ؟ (و بدانید که) منزل ابدی آخرت و نعمتهای بهشتی برای مردم پرهیزکار بسی بهتر (از متاع فانی دنیا) است آیا تعقل نمیکنید ﴿١٦٩﴾

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾

و یاد کنید نعمت خدا را که بشما ارزانی داشت و عهد او را که با شما استوار کرد (که اطاعت امر او کنید) آنگاه که گفتید امر تو را شنیدیم و طاعت تو پیش گرفتیم پس از خدا بترسید (و به عهد خدا وفا کنید) که خدا به نیت قلبی و اندیشههای درونی شما آگاهست ﴿٧﴾

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾

ای رسول ما بگو ای مردم (کتاب و رسول) حق از جانب خدا برای هدایت شما آمد پس هر کس هدایت یافت نفعش بر خود اوست و هر کس براه گمراهی شتافت زیانش بر خود اوست و من (پس از اتمام حجت) نگهبان شما (از مواخذه خدا) نیستم ﴿١٠٨﴾

¹ اعراف آیه 169

² مائده آیه 7

³ یونس آیه 108

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهَا مِنْ سَمَادِهَا وَإِنْ يَسْتَكْبِرُوا يَبْغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ^{۲۹}

و بگو دین حق همانست که از جانب پروردگار شما آمد پس هر که میخواهد ایمان آورد و هر که میخواهد کافر شود ما برای کافران ستمکار آتشی مهیا ساخته‌ایم که شعله‌های آن (مانند خیمه‌های بزرگ) گرد آنها احاطه کند و اگر (از شدت عطش) شربت آبی درخواست کنند آبی مانند مس گداخته سوزان بآنها دهند که رویها را بسوزاند و آن آب بسیار بد شربتی و (آن دوزخ) بسیار بد آسایشگاهی خواهد بود ^{۲۹}

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ آوَوْا الْعِلْمَ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ^{۵۴}

و تا آنکه اهل علم و معرفت به یقین بدانند که این آیات قرآن به حق از جانب پروردگار تو نازل گردیده که بدان ایمان آورند و دلهاشان پیش او خاضع و خاشع شود و البته خدا اهل ایمان را به راه راست هدایت خواهد کرد ^{۵۴}

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أُتِيكُمْ تَنْطِقُونَ ^{۲۳}

پس به خدای آسمان و زمین قسم که این (وعده رزق مقدر) همانند تکلیمی که با یکدیگر میکنید حق و حقیقت است ^{۲۳}

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاخْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ^{۱۷}

خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی بقدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شد و بر روی سیل کفی برآمد چنانچه فلزاتی را نیز که برای تجمل و زینت (مانند طلا و نقره) یا برای اثاث و ظروف (مانند آهن و مس) در آتش ذوب کنند مثل آب کفی برآورد خدا بمثل این (آب و فلزات و کف روی آنها) برای حق و باطل مثل می‌کشد ^{۱۷}

مثال می‌کشد (باطل چون) آن کف بزودی نابود میشود و اما آن آب و فلز که بخیر و منفعت مردم است مدتی در زمین بماند ^{۱۷}

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ^۱ ۳۴

اینست قضیه عیسی بن مریم که مردم در امر خلقتش شک و ریب دارند اکنون به سخن حق و صواب حقیقت
حالش بیان گردید ۳۴



^۱ مریم آیه ۳۴

2- حق را نپوشانید

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ¹ ﴿٤٢﴾

حق را بباطل میپوشانید تا حقیقت را پنهان سازید و حال آنکه به حقانیت آن واقفید ﴿٤٢﴾

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ² ﴿١٤٦﴾

گروهی که ما بر آنها کتاب فرستادیم (یهود و نصاری) محمد (ص) و حقانیت او را بخوبی میشناسند بدان گونه که فرزندان خود را ولیکن گروهی از آنان از راه عناد حق را کتمان میکنند در صورتیکه علم بآن دارند

﴿١٤٦﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ³ ﴿٧١﴾

ای اهل کتاب چرا حق را بباطل مشتبه سازید تا چراغ حق را بباد شبیهات خاموش کنید در صورتیکه بحقانیت آن آگاهید ﴿٧١﴾

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا⁴ ﴿٢٨﴾

و حال آنکه هیچ علم به آن ندارند و جز در پی گمان و پندار نمیروند و ظن و گمان هم در فهم حق و حقیقت

هیچ سودی ندارد ﴿٢٨﴾

¹ بقره آیه 42

² بقره آیه 146

³ آل عمران 71

⁴ نجم آیه 28

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَ
 جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا
 عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ^{٢٧}

و از پی نوح و ابراهیم باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا
 کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رافت و مهربانی نهادیم و (لیکن) رهبانیت (و ترک دنیا) را از پیش
 خود بدعت انگیزتند ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز
 آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا
 کردیم و (لیکن) از آنها بسیاری به راه فسق و تبه کاری شتافتند ^{٢٧}

وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا
 يَفْعَلُونَ ^{٣٦}

و اکثر این مردم الا از خیال و گمان باطل خود از چیزی پیروی نمی کنند در صورتیکه گمان و خیالات موهوم
 کسی را بی نیاز از حق نمیگرداند و به علم یقین نمیرساند و خدا بهر چه (این کافران) میکنند آگاهست

^{٣٦}

¹ حدید آیه 27
² یونس آیه 36

3- حق بمعنای سزاوار و میل و رغبت

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَ
الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ¹ ۱۸۰

دستور داده شد که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر دارای متاع دنیا است وصیت کند برای پدر و مادر و
خویشان بچیزی شایسته عدل ، این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است ^۱ ۱۸۰

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ
مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرًا وَعَلَى الْمُطَلَّاقِ قَدَرًا مَّتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى
الْمُحْسِنِينَ ² ۲۳۶

باکی برای شما نیست اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته‌اید ولی آنها را
به چیزی بهره مند سازید دارا بقدر خود و نادر بقدر خویش به بهره شایسته او که سزاوار مقام نیکوکاران
این است ^۲ ۲۳۶

³
وَالْمُطَلَّاقَاتُ مَتَّعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ³ ۲۴۱

مردان زنانی را که طلاق دهند بچیزی بهره مند کنند این کار سزاوار مردم پرهیزکار است ^۳ ۲۴۱

¹ بقره آیه 180
² بقره آیه 236
³ بقره آیه 241

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ ابْتَلَاكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ فَهُوَ لَا عَلَىٰ آلِهِ إِلَّا مَنْ لَمْ يَشْرِبْ وَلَمْ يُغْرِقْهُ قَالَ مَنْ لَمْ يَغْرُقْ فَلْيَمْلِكْ إِلَّا مَنْ غَرِقَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ ابْتَلَاكُمْ بِالنَّهْرِ وَالْجَسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

پیغمبر آنها گفت همانا خداوند طالوت را پادشاهی شما برانگیخت گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتیکه ما به پادشاهی شایسته تر از اوئیم او را مال فراوان نیست رسول در جواب آنها گفت که او از این رو بشاهی شایسته تر خواهد بود که خداوندش بر شما برگزیده و او را افزونی بخشیده در بسط دانش و توانائی تن و خدا ملک خود را بهر که خواهد بخشد که او بحقیقت توانگر و داناست ﴿٢٤٧﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلِيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلِيَتَّقِيَ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ

ای اهل ایمان چون بقرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین ، سند و نوشته در میان باشد و بایست نویسنده درستکاری معامله میان شما را بنویسد و از نوشتن ابا نکند که خدا به وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد و مدیون امضاء کند و از خدا بترسد از آنچه مقرر شده چیزی نکاهد (و نیفزاید) و اگر مدیون سفیه و یا صغیر است و صلاحیت امضا ندارد ولی او بعدل و درستی امضاء کند ، و دو تن از مردان گواه آرید و اگر دو

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾

ای اهل ایمان از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا ترس بودن است (پیوسته بیاد خدا باشید و شکر نعمتش بجای آرید و ثبات ورزید تا وقت مرگ که) تا نمیرید جز بدین مبین اسلام ﴿١٠٢﴾

¹ بقره آیه 247

² بقره آیه 282

³ آل عمران آیه 102

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

و من چگونه از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید بترسم در صورتیکه شما از شرک بخدا آوردن نمیترسید با آنکه هیچ برهان و حجتی بر آن شرک ندارید آیا کدام یک از ما به ایمنی (و کدام به ترس) سزاواریم از خدایان بی‌اثر باطل باید ترسید یا از خدای دانای مقتدر ؟ اگر شما فهم سخنی میکنید ؟ ﴿٨١﴾

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾²

(منافقان) برای اغفال و خشنود کردن شما مؤمنان بنام خدا سوگند می‌خورند در صورتی که اگر ایمان داشتند سزاوارتر این بود که خدا و رسول را از خود خشنود کنند ﴿٦٢﴾

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾

باز بگو آیا هیچ یک از شرکاء شما مشرکان کسی را براه حق هدایت تواند کرد بگو تنها خداست که خلق را براه حق و طریق سعادت هدایت میکند آیا آنکه خلق را براه حق رهبری میکند سزاوار به پیروی است یا آنکه نمیکند ؟ مگر آنکه خود به‌هدایت خدا هدایت شود پس شما مشرکان را چه شده (که آنقدر بی‌خرد و نادانید که بتان را راهنما دانید) و چگونه چنین قضاوت باطل برای بتها میکنید ﴿٣٥﴾

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا لَكِنِّي لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٧﴾

¹ انعام آیه 81

² توبه آیه 62

³ یونس آیه 35

و چون تو با آن کس که خدایش نعمت اسلام بخشید و تواس نعمت آزادی (یعنی زید حارثه) به نصیحت گفتی برو زن خود را نگهدار و از خدا بترس (و طلاقش مده) و آنچه در در پنهان میداشتی (که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسرخوانده را که در جاهلیت بود منسوخ کنی) خدا آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و از خدا سزاوارتر بود بترسی پس ما هم (بدین غرض) چون زید از آن زن کام دل گرفت (و طلاقش داد) او را ما به نکاح تو آوردیم تا بعد از این مؤمنان در نکاح زنان پسر خوانده خود که از آنها کامیاب شدند (و طلاق دادند) بر خویش حرج و گناهی نپندارند و فرمان خدا به انجام رسید ﴿۳۷﴾

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكُمْ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّكُمْ لَتَعْلَمُونَ مَا نُرِيدُ^۲ ﴿۷۹﴾

قوم لوط گفتند ما را رغبت و میلی بآن دختران نیست و تو بخوبی میدانی که مطلب ما چیست ﴿۷۹﴾

4- کشتن بنا حق انبیاء الهی

هُوَ الَّذِي بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مَضْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَ ضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ
الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَ بَاعُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ^۳ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ^۴ ﴿۶۱﴾

غذای بهتری که دارید به پست تر از آن تبدیل کنید حال که تقاضای شما اینست بشهر مصر در آئید که در آنجا آنچه درخواست کردید مهیا است (باز نافرمانی و خودسری کردند) و بر آنها ذلت و خواری ضرور و مقدر گردید و چون دست از عصیان و ستمکاری برداشته بآیات خدا کافر گشتند و انبیا را بناحق کشتند دیگر بار بخشم و قهر خدا گرفتار شدند ﴿۶۱﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ^۳ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ
يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ^۴ ﴿۲۱﴾

همانا کسانی که بآیات خدا کافر شوند و انبیاء را بی جرم و بناحق بکشند و با آن مردمی که خلق را بعدل و درستی خوانند نیز دشمن شده و بقتل رسانند ای پیغمبر آنها را بعذاب سخت دردناک بشارت ده ﴿۲۱﴾

^۱ احزاب آیه 37

^۲ هود آیه 79

^۳ بقره آیه 61

^۴ آل عمران آیه 21

ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ أَيْنَ مَا تَفْتَوُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاعُوا
بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ
اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَالِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾

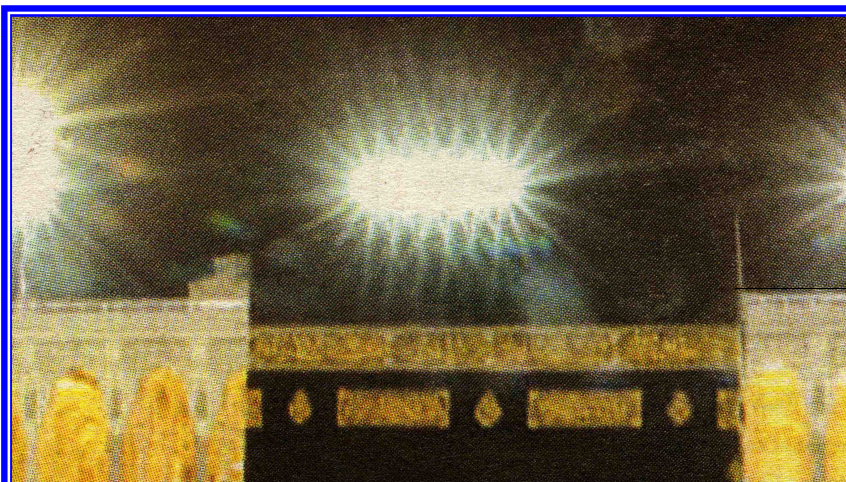
آنها محکوم بذلت و خواری هستند بهر کجا متوسل شوند مگر بدین خدا و عهد مسلمین درآیند و (یا بدیگر
مردم پیوندند) آنان پیوسته اسیر بدبختی و ذلت شدند از این رو که آیات خدا کافر شدند و پیمبران حق ر
بناحق کشتند که این نافرمانی و ستمگری کار همیشه آنها بود ﴿١١٢﴾

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَ
قَتَلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾

محققا خدا شنید سخن جاهلانه آن کسانی که (چون دستور آمد که بخدا قرض الحسنه بدهید آنها بتمسخر)
گفتند پس خدا فقیر است و ما دارا البته ما گفتارشان را ثبت خواهیم کرد با این گناه بزرگ که انبیاء را
بناحق کشتند (و در روز کیفر) گوئیم بچشید عذاب آتش سوزانرا ﴿١٨١﴾

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ
قُلُوبَنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٥﴾

پس چون پیمان شکستند (و با اوامر حق مخالفت کردند) و به آیات خدا کافر شدند و پیمبران حق را بناحق
کشتند (خدا آنانرا بکیفر رسانید) و همه این قبائح را بجای آوردند بدین عذر که گفتند دلهای ما در پرد
است و دروغ گفتند بلکه خدا بسبب کفر آنها را مهر بر دل نهاد که بجز اندکی ایمان نیاورند ﴿١٥٥﴾



1 آل عمران آیه 112
2 آل عمران 181
3 نساء آیه 155

5- قرآن و آیات حق است و از جانب خداوند است

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ قَالُوا نَحْنُ نَحْمَدُ اللَّهَ مَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَنَكْفُرُ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾

و چون بطایفه یهود گفته شد بقرآن که خدا (برای هدایت بشر) فرستاده ایمان آرید پاسخ دادند که تنها بتورات چون بما نازل شده ایمان آوریم و بغیر تورات کافر شدند در صورتیکه قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق میکند . بگو ای پیغمبر اگر شما در دعوی ایمان بتورات راستگو بودید بکدام حکم تورات از این پیش هر پیغمبر را کشتید ؟ ﴿٩١﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾¹

¹ بقره آیه 91

حق اینست که خدا کتاب آسمانی را براستی فرستاد و گروهی که در آن اختلاف و مکابره کردند در اختلافی دور از حق خواهند بود ﴿۱۷۶﴾

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخْكَرَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۲۱۲﴾

مردم یک گروه بودند خدا رسولان را فرستاد که نیکان را بشارت دهند و بدانرا بترسانند و با آنها کتاب براستی فرستاد تا تنها دین خدا بعدالت در موارد نزاع مردم حکم فرما باشد سپس همان گروه که بر آنان کتاب آسمانی آمد (نه غیر آنها) برای تعدی بحقوق یکدیگر در کتاب حق شبیهه و اختلاف افکندند پس خدا بلطف خود اهل ایمانرا از آن ظلمت شبیهات بنور حق هدایت فرمود ، و خداوند هر که را بخواهد راه راست بنماید ﴿۲۱۲﴾

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۲۵۲﴾^۳

این آیات خداست که براستی برای تو میخوانیم و همانا تو البته از جمله پیغمبران مرسل می باشی ﴿۲۵۲﴾

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ بِرَبِّدُ ظُلْمًا لِلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۸﴾^۴

اینها آیات الهی است که برای تو براستی میخوانیم و خداوند هرگز (در دو عالم) اراده ستم به هیچکس نخواهد کرد ﴿۱۰۸﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتُخْكَرَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ﴿۱۰۵﴾^۵

(ای پیغمبر) ما بسوی تو قرآن را بحق فرستادیم تا بآنچه خدا بوحی خود بر تو پدید آرد میان مردم حکم کنی و نباید بر نفع خیانتکاران با مؤمنان و (بی تقصیران) بخصومت برخیزی . (در سبب نزول آیه اقوالی است

^۱ بقره آیه ۱۷۶

^۲ بقره آیه ۲۱۳

^۳ بقره آیه ۲۵۲

^۴ آل عمران آیه ۱۰۸

^۵ نساء آیه ۱۰۵

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ
فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ
جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن

و ما این کتاب (قرآن عظیم اکمل) را بحق بر تو فرستادیم که تصدیق بدرستی و راستی همه کتبی که در برابر
اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی میدهد پس حکم کن میان آنها (یعنی امت و اهل کتاب)
به آنچه خدا فرستاد و در اثر پیروی از خواهشهای ایشان حکم حقی که بتو نازل آمده وامگذار ما بر هر قومی
شریعت و طریقه‌ای مقرر داشتیم و اگر خدا (بمشیت ازلی) میخواست همه را یک امت میگردانید و لیکن این
وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ
الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا عَامِتًا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

و چون آیاتی را که به رسول فرستاده شده استماع کنند اشک از دیده آنها جاری میشود زیرا حقانیت آنرا
شناخته گویند بار الها به رسول تو محمد (ص) و کتاب آسمانی او قرآن ایمان آوردیم نام ما را در زمره گواهان
صدق او بنویس (و از محبتش محسوب دار)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ
الصَّالِحِينَ

و گویند چرا ما ایمان بخدا و کتاب حق نیاوریم در صورتیکه امید آن داریم که در قیامت خدا ما را داخل در
زمره صالحان گرداند

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

و قوم تو آنرا (یعنی آیات خدا و قرآن را) تکذیب کردند در صورتیکه حق محض هم آن بود (که بر تو نازل
شد) بگو ای پیغمبر من نگهبان شما نیستم (که بجبر از کفر و انکار شما را منع کنم)

أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتْبَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ
ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

¹ مانده آیه 48

² مانده آیه 83

³ مانده آیه 84

⁴ انعام آیه 66

⁵ انعام آیه 114

آیا من غیر خدا حاکم و داوری بجویم و حال آنکه او خدائی است که کتابی (چون قرآن) که همه چیز در آن بیان شده بشما فرستاد و آنانکه بآنها کتاب فرستادیم (یهود و نصاری) می دانند (و در کتب تورات و انجیل خودشان خوانده اند) که این قرآن از خدای تو بر تو بحق فرستاده شده پس در آن البته هیچ شک و تردید راه

مده **۱۱۴**

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حَجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ ۖ أَوْ آتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ^۱ **۳۲**

و چون باز لجاجت کردند و گفتند خدایا اگر این قرآن بر راستی بر حق و از جانب تست (باز هم پیروی آن نخواهیم کرد) پس با این حال یا بر سرمان سنگی از آسمان ببار یا ما را به عذابی دردناک گرفتار ساز (لذا سخت مستحق عذاب شدند) **۳۲**

وَيَسْتَنْبِغُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قَوْلُ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ ^۲ **۵۳**

ای رسول ما از تو کافران میپرسند که آیا این (قرآن و رسالت و وعده ثواب و عقاب آخرت) بر حق است بگو آری قسم بخدای من که البته همه وعدهها حق است و شما از آن هیچ مفری ندارید **۵۳**

وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ^۳ **۸۲**

فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ^۴ **۹۴**

پس هر گاه شک و ریبی از آنچه بتو فرستادیم در دل داری از پیشینیان خود علماء اهل کتاب بپرس (یعنی چنانچه امت در دین تو شک دارند از علمای بی غرض اهل کتاب اوصاف ترا بپرسند تا شکوکشان مرتفع شود) همانا (کتاب آسمانی) حق از جانب خدای تو آمده و ابدًا در حقانیت آن نباید شک و ریبی در دل راه دهی

الْمَرْتَلِكَ عَابَتِ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ^۵ **۱**

المر (رمزی بین خدا و رسول است) اینست آیات کتاب خدا و قرآنی که بحق و راستی بر تو از جانب پروردگار نازل گردید و لیکن اکثر مردمان به آن ایمان نمیآورند **۱**

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا

^۱ انفال آیه ۳۲
^۲ یونس آیه ۱۹۵
^۳ یونس آیه ۸۲
^۴ یونس آیه ۹۴
^۵ رعد آیه ۱

آیا مسلمانی که به یقین میداند که این قرآن بحق از جانب خدا بر تو نازل شده است (و از آن کسب علم و حکمت و سعادت میکند) مقامش نزد حق با کافر نابینای جاهل یکسانست ؟ (هرگز یکسان نیست) و تنها عاقلان متذکر این حقیقتند ﴿۱۹﴾

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ
لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۱۰۲﴾^۲

تو ای رسول ما به کافران بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگار من به حقیقت و راستی نازل کرد تا اهل ایمان را در راه خدا ثابت قدم گرداند و برای مسلمین هدایت و بشارت باشد ﴿۱۰۲﴾

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۱۰۵﴾^۳

و ما این آیات (قرآن عظیم) را بحق فرستادیم و برای اقامه حق و راستی نازل شد و نفرستادیم تو را جز برای آنکه مؤمنان را بشارت به رحمت دهی و کافران را از عذاب الهی بترسانی ﴿۱۰۵﴾

ما قصه آنان را بر تو بدرستی حکایت خواهیم کرد آنها جوآنمردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما (به لطف خاص خود) بر مقام ایمان و هدایتشان بیفزودیم ﴿۱۰۵﴾

وَلَا تَكْلَفْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۶۲﴾^۵

ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانائی تکلیف نمیکنیم و نزد ما کتابیست (از لوح محفوظ الهی) که آن کتاب سخن به حق گوید (و نیک و بد و سعید و شقی خلق را بر خودشان ظاهر سازد) و به هیچکس هرگز ستم نخواهد شد ﴿۶۲﴾

تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۳﴾^۶

(ای رسول) ما از حکایت موسی و فرعون به حق بر تو بیان میکنیم تا (تو رنج آن رسول را از فرعونیان دانسته و بر تحملت از آزار امت بیفزاید و) اهل ایمان از دانستن آن منتفع شوند ﴿۳﴾

وَإِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿۱﴾

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده و ما

پیش از این نیز تسلیم (فرمان خدا) بودیم ﴿۵۳﴾

^۲ نحل آیه 102

^۳ اسرا آیه 105

^۴ کهف آیه 13

^۵ مومنون آیه 62

^۶ قصص آیه 3

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣﴾

کافران میگویند قرآن را او لڑ پیش خود (بی‌مدد وحی خدا) فرابافته . (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا بر قومی که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده تو رسالت کنی و از معصیت خدا بترسانی باشد که راه هدایت پیش گیرند ﴿٣﴾

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ﴿٤﴾

خدا در درون یک مرد دو قلب (و دو مبدا ادراک و اراده که مردم در حق پیغمبر یا در حق جمیل ابن معمر گفتند) قرار نداده و نیز زنانتان را که مادر بخوانید مادر شما و پسر دیگری را که فرزند بخوانید پسر شما قرار نداده این گفتار شما زبانه و غیر واقعست و خدا سخن به حق میگوید و شما را به حقیقت راهنمائی و بَرِی الذِّینَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِیْ أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾

و آنان که اهل دانش و معرفت گردیدند (یعنی مؤمنان و نیکان اهل کتاب) یقین داشتند که قرآنی که بر تو نازل شده از جانب پروردگار تو (برای هدایت خلق) به حق نازل گردیده است و رهنمای خلق به راه خدای بی همتای ستوده صفاتست ﴿٦﴾

كَانَ يَحْبُدُ ءَابَاؤُكُمْ وَ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرًى وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٤٣﴾

و چون توسط رسول برای کافران آیات روشن ما تلاوت شد گفتند این شخص (که دعوی رسالت میکند) جز آنکه مردیست که میخواهد شما را از دین پدرانتان برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد و نیز گفتند این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته و به دروغ به خدا نسبت میدهد چیز دیگری نباشد و کافرانی که آیات حق بر هدایت آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحر است پیداست که چیز دیگری نیست ﴿٤٣﴾

¹ قصص آیه 53

² سجده آیه 3

³ احزاب آیه 4

⁴ سبا آیه 6

⁵ سبا آیه 43

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ¹ ﴿٣١﴾

و آنچه از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی فرستادیم آن حق است که کتب آسمانی (تورات و انجیل) که پیش از اوست حقانیتش را تصدیق میکنند (تو از تکذیب کافران میندیش) که خدا به اعمال بندگان کاملاً بصیر و آگاهست (و به کیفر کردارشان خواهد رسانید) ﴿٣١﴾

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ² ﴿٨٤﴾

خدا پاسخ شیطان فرمود به حق سوگند و کلام من حق و حقیقت است ﴿٨٤﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ³ ﴿٤١﴾

ای رسول این کتاب الهی را ما به حق برای هدایت خلق بر تو فرستادیم اینک هر که هدایت یافت نفع آن و هر که به گمراهی شتافت زیان آن بر شخص اوست و تو (پس از تبلیغ رسالت و اتمام حجت) دیگر وکیل خلق و نگهبان امت (از قهر حق) نخواهی بود ﴿٤١﴾

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ⁴

خداست آن که کتاب (آسمانی) را به حق برای اجرای عدالت فرستاد و تو ای رسول چه دانی ممکنست ساعت قیامت بسیار نزدیک باشد ﴿١٧﴾

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ⁵

این آیات قرآن که ما بر تو به حق تلاوت میکنیم همه ادله قدرت خدا (و برهان قاطع بر وجود صانع یکتا) است پس بعد از خدا و آیات روشن او (اگر نگرند) دیگر به چه برهان ایمان می آورند ﴿٦﴾

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ⁶ ﴿٢٩﴾

این کتاب ضبط ما به حق بر شما سخن میگوید که ما هر چه به دنیا کردهاید همه را درست نگاشته ایم (و طبق آن به پاداش میرسید) ﴿٢٩﴾

وَإِذَا تَلَّيْنَاهُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا

سُورَةُ الْفَاطِرِ آيَةُ ٨٤
سُورَةُ الزُّمَرِ آيَةُ ٤١
سُورَةُ الْبُرُجِ آيَةُ ١٧
جائیه آیه ٥
جائیه آیه ٦

و هرگاه (رسولان حق) آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که چون آیات الهی آمد به خدا کافر شدند گویند که این کتاب سحر آشکارا نیست ﴿۷﴾

قَالُوا يَبْقُومُنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۳۰﴾^۲

و گفتند ای طایفه ما (گروه جنیان) ما آیات کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده بود در حالی که کتب آسمانی تورات و انجیل را که در مقابل او بود به راستی تصدیق میکرد و خلق را به سوی حق و طریق راست هدایت می فرمود ﴿۳۰﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ ﴿۳﴾^۳

این (سبب تباهی حال کافران و اصلاح مؤمنان) است که کافران پیرو (آراء و عقاید اهل) باطل گردیدند و اهل ایمان پیرو قرآن حق که از جانب خدایشان نازل گردید شدند . اینگونه صریح خدا تمثال حال مردم را بیان میکند ﴿۳﴾

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿۲﴾^۴

و آنان که به خدا گرویدند و نیکوکار شدند و به قرآنی که بر محمد " ص " نازل شد که البته بر حق و از جانب خدا بود ایمان آوردند خدا از گناهانشان درگذشت و امر (دنیا و دین) شانرا اصلاح فرمود (و دلشان را شایسته نور معرفت گردانید) ﴿۲﴾

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿۱۶﴾

^۱ احقاف آیه ۷

^۲ احقلف آیه ۳۰

^۳ محمد آیه ۳

^۴ محمد آیه ۲

آیا نوبت آن نرسید که گرویدگان (ظاهری از باطن به خدا بگروند و) دلپاشان به یاد خدا خاشع گردد و به آنچه از حق نازل شد بذل توجه کنند و مانند کسانی که پیش از این برایشان کتاب آسمانی تورات آمد (یعنی یهود و نصاری) نباشید که دوره طولانی (زمان فترت) بر آنها گذشت و دلپاشان زنگ قساوت گرفت و بسیاری فاسق و نابکار شدند ﴿۱۶﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ² ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید هرگز نباید کافران را که دشمن من و شمايند یاران خود برگرفته و طرح دوستی با آنها افکنید در صورتی که آنان به کتابی که بر شما آمد یعنی قرآن حق، سخت کافر شدند و رسول خدا و شما مؤمنان را به جرم ایمان به خدا از وطن خود آواره کردند پس نباید اگر شما برای جهاد در راه من و

وَأِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ³ ﴿۵۱﴾

و این حق و حقیقت محض است ﴿۵۱﴾

6- آشکار و ثابت شدن حق

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ⁴ ﴿۱۰۹﴾

بسیاری از اهل کتاب آرزو و میل آن دارند که از ایمان، شما را بکفر برگردانند بسبب رشک و حسدی که بر ایمان شما برند بعد از آنکه حق بر آنها آشکار گردید پس اگر از آنها بشما مسلمین ستمی رسید درگذرید و مدارا کنید تا هنگامیکه فرمان خدا (بجنگ یا صلح) برسد که البته خدا بر هر چیز قادر و تواناست لَقَدْ آتَبَعُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُودَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَافِرُونَ¹ ﴿۴۸﴾

¹ حدید آیه 16

² ممتحنه آیه 1

³ حاقه آیه 51

⁴ بقره آیه 109

از این پیش (در جنگ خندق و احد) هم آنان در صدد فتنه گری و انهدام اسلام بودند و کارها را به تو (ای رسول ما) بر عکس مینمودند تا آنگاه که حق روی آورد و امر خدا آشکار گردید (یعنی اسلام را فتح نصیب کرد) در صورتیکه آنها (از فتوحات اسلام) کمال کراحت را داشتند **۴۸**

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ^۲ وَ يَمْنَحُ اللَّهُ الْبَطْلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ **۲۴**

بلکه (مردم نادان) خواهند گفت محمد " ص " بر خدا دروغ بست (که محبت اهل بیت را بر امت واجب کرد چنین نیست و هرگز رسولی بر خدا دروغ نتواند بست که) اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر مینهد و به کلمات وحی خود سخن باطل را محو و نابود و حق را ثابت و برقرار میگرداند که خدا به اسرار دلهای خلق کاملاً آگاهست . **۲۴**

وَ كَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَنْثِبُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مُوعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ **۱۲۰**

و ما همه این حکایات اخبار انبیاء را بر تو بیان میکنیم تا قلب ترا بآن قوی و استوار گردانیم و در این (شرح) قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَاوَدْتَنِّي يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ النَّسْ حَضَحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ **۵۱**^۴

شاه با زنان مصر گفت حقیقت حال خود را که با یوسف مراوده داشتید بگوئید همه گفتند حاش لله که ما از یوسف هیچ بدی ندیدیم و جز عفت نفس در او مشاهده نکردیم در اینحال زلیخا زن عزیز مصر اظهار کرد که الان حقیقت آشکار شد (و من بگناه خود اعتراف میکنم که) من بخواهش نفس خود با یوسف عزم مراوده داشتم و او (که دعوی عفت و بی گناهی می کند) البته راستگوست **۵۱**

قَالُوا بَشِّرْكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ **۵۵**^۵

۵۵ گفتند ما تو را بحق و حقیقت بشارت دادیم و تو هرگز از لطف خدا نومید مباش

^۱ توبه آیه ۴۸
^۲ شورا آیه ۲۴
^۳ هود آیه ۱۲۰
^۴ یوسف آیه ۵۱
^۵ حجر آیه ۵۵



7- تغییر قبله حق است

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ^۱ ۱۴۴

ما توجه ترا بر آسمان بانتظار وحی و تغییر قبله بنگریم و البته روی تو بقبله‌ای که بدان خشنود شوی بگردانیم پس روی کن بطرف مسجد الحرام و شما مسلمین نیز هر کجا باشید در نماز روی بدان جانب کنید و گروه اهل کتاب بخوبی میدانند که این تغییر قبله بحق و راستی از جانب خدا است نه بدخواه کس و خدا از کردار آنها (که مطیع و نیکوکار یا منافق و زشت رفتارند) غافل نیست ۱۴۴

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۱۴۹

^۱ بقره آیه ۱۴۴

و از هر کجا و بسوی هر دیار بیرون شدی (ای پیغمبر در نماز) روی بطرف کعبه آور چون این دستور قبله بر وجه صواب و بامر خداست و خدا از کار شما غافل نیست ﴿۱۴۹﴾

8- رسول و انبیاء حق و راست هستند

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۶﴾²

چگونه خداوند گروهی را که از راه عناد و سرکشی بعد از ایمان بخدا و گواهی دادن بر راستی رسول او بعد از ادله روشن بساز کافر شدند براه راست هدایت کند ؟ خدا هرگز گروه ستمکارانرا (براه سعادت) رهبری نخواهد کرد ﴿۸۶﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمَنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۷۰﴾³

ای مردم همانا آن پیغمبر حق (محمد مصطفی " ص ") برای (هدایت شما) از جانب خدا آمد چنانچه ایمان آرید (در دنیا و عقبی) برای شما بهتر است و اگر کافر شوید پس (بدانید که از این کفر بخود زیان رسانید) خدا از کفرتان بی زیان و از طاعت شما بی نیاز است زیرا (هر چه در آسمان و زمین است همه ملک^۱ خدا^۲ و خدا (به احوال هر مؤمن و کافر) دانا و (در ثواب و عقاب آنان) درستکار است ﴿۱۷۰﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ¹ ﴿٧٦﴾

و چون رسول حق با معجزات و آیات از جانب ما بر آنها آمد آیات و معجز او را تکذیب کرده و گفتند این سحر بودنش بر همه آشکار است ﴿٧٦﴾

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ²

موسی به آنان گفت آیا به رسول و آیات حق که برای هدایت شما آمد نسبت سحر می دهید و حال آنکه ساحران را هرگز فلاح و فیروزی نخواهد بود ﴿٧٧﴾

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ³ ﴿٧٩﴾

پس تو بر خدا (ی دانای توانا) توکل کن که تو البته (رسول) بر حقی و حقانیت بر همه آشکار است

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ⁴

پس هنگامی که رسول حق از جانب ما به آنها فرستاده شد باز بنای لجاج نهادند و گفتند چرا به این رسول⁴ مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند و گفتند اینها سحر و جادوگری است که موسی و هارون ظاهر میکنند ؟ و گفتند ما به همه اینها سخت بی ایمان و بی عقیده ایم ﴿٨٠﴾

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ⁵ ﴿٢٤﴾

ما تو را به حق و راستی به سوی خلق فرستادیم تا (خوبان را به بهشت ابد) بشارت دهی و (بدان را از قهر حق) بترسانی و هیچ امتی نبوده جز آنکه در میانشان ترساننده ای (و رهنمائی) بوده است ﴿٢٤﴾

بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ⁶ ﴿٣٧﴾

(چنین نیست که آنها پنداشتند) بلکه محمد " ص " (پیغمبر بزرگی است که برای تعلیم و هدایت خلق عالم

(با براهین و حجت و معجزاتش صدق پیغمبران پیشین را نیز اثبات کرد ﴿٣٧﴾

² یونس آیه 77

³ نمل آیه 79

⁴ قصص آیه 48

⁵ فاطر آیه 24

⁶ صافات آیه 37

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَبْخُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ^۱ **۲۵**

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت (برای هدایت خلق) آمد (فرعون و قومش) به مردم گفتند بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت و خسرانشان به کار نیاید **۲۵**

وَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ **۳۰**

و چون (رسول) حق به سوی آنها آمد (او را تکذیب کردند و) گفتند این^۲ (قرآن) سحر است و ما به (وحی بودن) آن ایمان نداریم **۳۰**

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّعْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ^۳ **۲۷**

البته خدا صدق و حقیقت خواب رسولش را آشکار و محقق ساخت که در عالم رؤیا دید شما مؤمنان البته به مسجد الحرام با دل ایمن وارد شوید و (بعد از انجام وظایف حج) سرها بتراشید و اعمال تقصیر بر رفع احرام بی ترس و هراس به جای آرید و خدا آنچه را (از مصالح صلح حدیبیه) شما نمیدانستید و قبل از آن (که فتح مکه کنید) فتح نزدیک (حدیبیه و خیبر) را مقرر داشت **۲۷**

قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ^۴ **۴۸**

باز ای رسول بگو خدای من حق را به وحی بر من القا میفرماید که او به اسرار عوالم غیب آگاهست **۴۸**
الَّذِي هَدَيْنَا لَهُذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَيْنَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولَ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تُلَكُمُ الْجَنَّةُ أَوْ رُثِمُوهُمَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ^۵ **۴۳**

مقام رهنمائی کرد که اگر هدایت و لطف الهی نبود ما بخود در این مقام راه نمی یافتیم همانا رسولان خدا ما را بر این مقام بحق رهبری کردند آنگاه بر اهل بهشت ندا کنند که این است بهشتی که از اعمال صالح خود به ارث یافتید **۴۳**

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوا مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ^۱ غافر آیه ۲۵ ^۲ زمر آیه ۴۰ ^۳ **۵۳**

کافران که به آیات خدا و قیامت ایمان نمی‌آورند آیا در انتظار چيستند مگر آنکه تاويل آیات و مال اعمال آنها (هنگام مرگ يا ظهور قیامت) به آنان برسد و آنروز که خلاق تاويل آیات و عاقبت کار را مشاهده کنند کسانی که این روز را فراموش کرده بودند (با حال تاسف) خواهند گفت افسوس که رسولان خدا (با روشن ترین برهان) حق را برای ما بیان کردند کاش (مخالفت نمی‌کردیم يا) امروز کسی بشفاعت ما برمی‌خواست يا بار دیگر بدنیا باز می‌گشتیم که غیر از این اعمال زشت به اعمال صالحی می‌پرداختیم در آن هنگام آن کافران خود را در زیان سخت بینند و آنچه (در دنیا) می‌بافتند (بنگرند که) همه نابود شده است **۵۳**

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسُطٍ كَفِّهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَلَا وَ مَا هُوَ يَبْلُغُهُ وَ مَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ **۱۴**

دعوت خدا و رسولانش بحق و حقیقت است (و هر وعده لطف و احسان کند صدق است) ولی دعوی غیر خدا (و غیر خداپرستان) همه دروغ است هیچ حاجتی را از خلق برنیاورند مانند آنکس که بر (چاه) آبی دست فرو برد که بیاشامد و دستش بآب نرسد و کافران جز به حرمان و ضلالت دعوت نمیکنند **۱۴**



9- وعده الهی حق است

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَحَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخَفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ¹

پس از آن غم و اندیشه ، خداوند شما را ایمنی بخشید که خواب آسایش گروهی از شما را گرفت و گروهی که وعده نصرت خدا را از روی جهل و نادانی راست نمی - پنداشتند هنوز در غم جان خود بودند و از روی انکار می‌گفتند آیا ممکن است ما را قدرت و فرمانی بدست آید ؟ بگو ای پیغمبر تنها خداست که بر عالم هستی فرمانروا است (منافقان مسست ایمان که از ترس مؤمنان) خیالات باطل خود را با تو اظهار نمیدارند ، با خود و نَادَى أَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَصْحَابِ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى

و آنگاه بهشتیان دوزخیان را ندا کنند که آنچه (پیغمبران) بما وعده دادند (از مقامات بهشتی) ما بحق و حقیقت یافتیم آیا شما نیز بدانچه وعده دادند (از عذاب دوزخ) به حقیقت رسیدید ؟ گویند بلی (ما هم بسزای خود رسیدیم) آنگاه میان آنها منادیتی ندا کند که لعنت خدا بر ستمکاران عالم باد ﴿۴۴﴾

وَيَسْتَنْبِغُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قَوْلُ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۵۳﴾²

ای رسول ما از تو کافران میپرسند که آیا این (قرآن و رسالت و وعده ثواب و عقاب آخرت) بر حق است بگو آری قسم بخدای من که البته همه وعدهها حق است و شما از آن هیچ مفری ندارید ﴿۵۳﴾

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوَدَّةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْأَمْرُ الْأَخِيرُ ﴿۱۱۱﴾³

خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد میکنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدیست که در (سه دفتر آسمانی) تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفا تر بعهد کیست ؟ ای اهل ایمان شما بخود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگی است ﴿۱۱۱﴾

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَنْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ⁴ بَازْغَشْتٍ شَمَا هَمَّة بَسْوَى اُو خَوَاهْد بُوْد اِيْن بَه حَقِيْقَت وَعْدَه خدَا سْت كَه اُو دُر اَوَّل خَلْق رَا بِيَا فَرِيْد وَاَنگَا ه بَسْوَى خُوْد بَر مِي گِرْدَانْد تَا اَنَا نَرَا كَه اِيْمَان اُوْرْدَه و عَمَل صَالِح كَرْدَنْد بَعْدَل و اِحْسَان ثَوَاب و جَزَاء خِيْر دَهْد وَاَنَا نَرَا كَه

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۵﴾⁵

مردم آگاه باشید که هر چه در آسمانها و زمین است ملک خداست و هم آگاه باشید که وعده (ثواب و عقاب بهشت و دوزخ) خدا همه حق (محض) است ولی اکثر خلق از آن آگه نیستند ﴿۵۵﴾

¹ اعراف آیه 44

² یونس آیه 53

³ توبه آیه 111

⁴ یونس آیه 4

⁵ یونس آیه 55

وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ
فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ¹ ﴿١٧﴾

میشوند و هر کس از طوایف بشر باو کافر شود وعده گاهش البته آتش دوزخ است که در آن هیچ شک مدار که
این وعده قطعی عذاب قهر پروردگار است و لیکن اکثر مردم بآن ایمان نمیآورند ﴿١٧﴾

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَخْكَمُ
الْحَكَمِينَ ² ﴿٤٥﴾

و نوح بدرگاه خدا عرض کرد بار پروردگارا فرزند من اهل بیت من است (که وعده لطف و نجات به آنها دادی
) و وعده عذاب تو هم حتمی است که قادرترین حکم - فرمایانی (پس بلطف خود فرزندم را نجات بخش)

و قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ
فَاخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ

و چون حکم قیامت پایان رسید و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند در آنحال شیطان برای نکوهش و
تمسخر کافران گوید خدا بشما بحق و راستی وعده داد و من بخلاف حقیقت و بر شما (برای وعده دروغ خود
) هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم (و تنها شما را به وعدههای دروغی فریستم) پس امروز شما ابلهان که
سخن بی دلیل مرا پذیرفتید مرا ملامت میکنید بلکه نفس پر طمع خود را ملامت کنید که امروز نه شما فریادرس
من توانید بود و نه من فریادرس شما من به شرکی که شما به اغوای من آوردید معتقد نیستم ، آری در این روز

و اقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ يَمُوتَ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَ
لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ⁴ ﴿٣٨﴾

و کافران با مبالغه و تاکید کامل قسم یاد میکنند که هرگز کسی که مرد خدا او را زنده نخواهد کرد (و
قیامتی وجود نخواهد داشت) بلی (خیال باطل کردند) البته قیامت وعده حتمی خداست و لیکن اکثر مردم
از آن آگاه نیستند ﴿٣٨﴾

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا
تَدْمِيرًا ⁵ ﴿١٦﴾

¹ هود آیه 17

² هود آیه 45

³ ابراهیم آیه 22

⁴ نحل آیه 38

⁵ اسراء آیه 16

و ما چون اهل دیاری را بخواهیم بکیفر گناه هلاک سازیم پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر کنیم (بطاعت) لیکن آنها راه فسق و تبه کاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند (و مردم هم براه آنها روند) آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت آنگاه همه را بجرم بد - کاری هلاک می سازیم ﴿۱۶﴾

وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُخْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا¹

و باز ما مردم را بر حال اصحاب کهف آگاه ساختیم تا خلق بدانند که وعده خدا (بروز معاد و زنده کردن مردگان) بحق بوده و ساعت قیامت البته بی هیچ شک خواهد آمد . تا مردمی که میانشان تنازع و خلاف در امر

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي

حَقًّا² ﴿۹۸﴾

ذوالقرنین گفت که این (قدرت و تمکن بر بستن سد) از لطف و رحمت خدای منست و آنگاه که وعده خدا فرارسد (که در روز قیامت یا روز ظهور حضرت ولی الله اعظم است) آن سد را متلاشی و پاره پاره گرداند و البته وعده خدا محقق و راست خواهد بود ﴿۹۸﴾

أَقْبَرُ إِلَهُ خَدَّائِهِمْ فَلَا إلهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي كَفَرُوا بِالْآيَاتِ كُفَّاهِ³ آنگاه وعده (ثواب و عقاب) حق بسیار نزدیک شود و ناگهان چشم کافران از حیرت بی حرکت فروماند و فریاد کنند ای وای بر ما که از این روز غافل بودیم و سخت به راه ستمکاری شتافتیم ﴿۹۷﴾

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَىٰ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ⁴ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۳﴾

و بدین وسیله ما موسی را به مادرش برگردانیدیم تا دیده اش به جمال موسی روشن شود و حزن و اندوهش بکلی برطرف گردد و نیز بطور یقین بدانند که وعده خدا حق است لیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ⁵ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿۶۰﴾

پس تو ای رسول صبر پیشه کن و از انکار کفار غمین مباش که وعده خدا البته حق و حتمی است و مراقب باش که مردم بی علم و یقین و ایمان مقام حلم و وقارت را به خفت و سبکی نکشانند ﴿۶۰﴾

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ﴿۸﴾

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۹﴾⁶

¹ کهف آیه 21

² کهف آیه 98

³ کهف آیه 97

⁴ قصص آیه 13

⁵ روم آیه 60

⁶ لقمان آیه 98

آنان که به خدا ایمان آوردند و به اعمال نیکو پرداختند باغهای پر - نعمت (بهشت جاودانی) مخصوص

آنهاست **۸**

و آنها در بهشت ابد همیشگی خواهند بود این وعده خدا محقق و حتمی است و خدا بر همه کار عالم مقتدر و

به حقیقت هر چیز آگاهست **۹**

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَآخِشُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ
جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا
يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ¹ **۳۳**

ای مردم از خدا بترسید و بیندیشید از آن روزی که نه هیچ پدری را به جای فرزند و نه هیچ فرزندی را به جای پدر پاداش و کیفر کنند البته وعده خدا حق و حتمی است پس زنده‌ها را زندگانی دنیا فریب ندهد و از عقاب خدا شیطان به عفو و کرمش سخت مغرورتان نگرداند **۳۳**

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مَن
و اگر ما به مشیت ازلی میخواستیم هر نفسی را به کمال هدایتش (به جبر و الزام) می‌رسانیدیم و لیکن وعده
حق و حتمی من است که دوزخ را البته از (کافران) جن و انس پر سازم **۱۳**

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ
الْغُرُورُ ² **۵**

ای مردم البته وعده (قیامت کتاب) خدا حق است پس مبادا که زندگانی دنیای (فانی) شما را مغرور سازد و مبادا سرگرم عصیان شوید و شیطان فریبنده از قهر و انتقام حق به عفو خدا مغرورتان گرداند **۵**

وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ³ **۶**
و همین گونه وعده خدای تو بر عقاب و کیفر کافران (امت) محقق و حتم است که آنها (روز قیامت) همه
اهل دوزخ هستند **۶**

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ⁴ **۵۵**

¹ لقمان آیه 33

² سجده آیه 13

³ فاطر آیه 5

⁴ غافر آیه 6

⁵ غافر آیه 55

ای رسول ما (بر آزار امت) صبر کن که البته وعده (ثواب و عقاب) خدا حق است و بر گناه خود از خدا آمرزش طلب کن (یعنی بر گناه امت نادان از درگاه خدا آمرزش خواه) و صبح و شام به تسبیح و ذکر و ستایش پروردگار خود پرداز **۵۵**

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّيكَ بِعُصَىٰ الذِّی نَعْدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّئِكَ فَأَلَيْنَا يَرْجِعُونَ **۷۷**^۱

ای رسول (چند روزی بر آزار کافران امت) صبر کن که البته وعده (ثواب و عقاب) خدا حق است که آنها را یا در حیات تو و مقابل چشم تو به بعضی از وعده‌های خود (به شمشیر تو) عقوبت میکنیم یا چنانچه تو را قبض روح کنیم باز رجوع آنها به سوی ماست (و در قیامت به کیفر اعمالشان میرسانیم) **۷۷**

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِی أُمْرِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ **۲۵**^۲

و ما رفیقان و یارانی (از شیاطین) بر آنها گماشتیم تا آنچه پیش روی آنهاست (از نعمت و لذت‌های فانی دنیا) در نظرشان جلوه دهند و آنچه از عقب دارند (از نعمت و لذات ابدی آخرت) فراموش و غافلشان کنند و وعده عذاب الهی بر آنها حتم و لازم گردد چون امتانی از جن و انس که (غرق دنیا بودند و با کفر و عصیان) درگذشتند و سخت زبون و زیانکار شدند **۲۵**

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَیْقِنِينَ **۳۲**^۳

و چون به شما گفته شد که وعده خدا حق است و در قیامت هیچ شک و ریب نیست شما گفتید قیامت چیست نمی‌فهمیم بس خیالی پیش خود می‌کنیم و به آن هیچ یقین نداریم **۳۲**

وَالَّذِی قَالَ لَوْلَدِیْهُ أَفْ لَكُمْ أَوْ تَعْدَانِنِیْ أَنْ أُخْرِجَ وَ قَدْ خَلَتْ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِیْ وَ هُمَا یَسْتَخِیْثَانِ اللَّهُ وَ یَلْکَ عَامِنِیْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فِیْهُمَا مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِیرَ الْأَوَّلِیْنَ **۱۷**^۴

و (چه قدر ناخلف است) فرزندی که پدر و مادر را گفت اف بر شما باد به من وعده میدهید که پس از مرگ مرا زنده کرده و از قبر بیرون می‌آرند ؟ در صورتی که پیش از من گروه و طوایف بسیاری رفتند (و یکی بازنیا ^{۷۷} غافر آیه ۷۷) پدر و مادر به خدا استغاثه کنند (که پروردگارا تو فرزند ما را هدایت کن) و به او گویند ^{۳۲} جاثیه آیه ۳۲ وای بر تو ^{۱۷} احقاف آیه ۱۷ خدا ایمان بیار البته وعده (حشر و نشر و دوزخ و بهشت) خدا بر حق و حقیقت است باز (آن نااهل فرزند) گوید این سخنان جز افسانه و اوهام پیشینیان نیست **۱۷**

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمْرٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿١٨﴾

اینان در میان طوایف بسیاری از جن و انس که از این پیش به کفر مردند کسانی هستند که وعده عذاب خدا بر آنها حتم است و اینها به حقیقت زیانکاران عالمند ﴿١٨﴾

وَأَصْحَابُ الْآيَةِ وَقَوْمِ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرِّسَالَ فَحَقَّ وَعِيدِ ﴿١٤﴾

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب حق بر آنان حتم و واجب گردید ﴿١٤﴾

10- حکم و فرمان الهی حق است

فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شَرْعَةً وَ مِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن

اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی میدهد پس حکم کن میان آنها (یعنی امت و اهل کتاب) به آنچه خدا فرستاد و در اثر پیروی از خواهشهای ایشان حکم حق که بتو نازل آمده و امگذار ما بر هر قومی شریعت و طریقه‌ای مقرر داشتیم و اگر خدا (بمشیت ازلی) میخواست همه را یک امت میگردانید و لیکن این

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٥٧﴾

بگو من هر چه از خدا میگویم با بینه و برهان است و شما از جهالت تکذیب آن میکنید عذابی که شما بدان تعجیل میکنید امر آن بدست من نیست فرمان جز خدا را نخواهد بود او (برای آسایش خلق) بحق دستور دهد و او بهترین حکم فرمایان (عالم) است ﴿٥٧﴾

¹ احقاف آیه 18

² ق آیه 14

³ مائده آیه 48

⁴ انعام آیه 57

¹ يَجْدُلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

(مردم نادان) در حکم حق و طاعت خدا با آنکه حق آشکار و روشن گردید با تو جدل و نزاع خواهند کرد (و چنان حکم حق و طاعت خدا بر آنها دشوار و سخت است) که گوئی معاینه مینگرند که آنها را بجانب مرگ میکشند ^۶

² هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عَقْبًا ^{۴۴}

آنجا ولایت و حکمفرمائی خاص خداست که بحق فرمان دهد و بهترین اجر و ثواب و عاقبت نیکو را هم او (بهر که خواهد) عطا کند ^{۴۴}

³ قُلْ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَ رَبَّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ^{۱۱۲}

رسول گفت الهی تو به حق (میان ما) حکم کن و پروردگار ما همان خدای مهربانست که بر ابطال آنچه شما بر خلاف حق (و بر علیه اسلام) می گوئید از او یاری میطلبیم که تنها از او در هر کار یاری باید خواست

⁴ اَيُّ رَسُولٍ مَّا ، بِهِ يَادُ آر (هنگامی که آسمان شکافته شود ^۱)

و به فرمان حق گوش فرادارد و البته آسمان مخلوق خداست سزد که فرمان او پذیرد ^۲

^{۲۶} قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ هُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ ^{۲۶}

باز بگو که خدا بین همه ما جمع کند آنگاه میان ما به حق فتح و داوری خواهد فرمود که او عقده گشای مشکلات و دانای اسرار عالم است ^{۲۶}

وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وَضَعَ الْكِتَابَ وَ جَاءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ قَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يظْلَمُونَ ^{۶۹}

و زمین (محشر) به نور پروردگار روشن گردد و نامه (اعمال خلق در پیشگاه عدل حق) نهاده شود و انبیاء و شهداء (بر گواهی) احضار شوند و میان خلق به حق حکم کنند و به هیچکس ابدًا ظلمی نخواهد شد

وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ^{۷۵}

¹ انفال آیه 6

² کهف آیه 44

³ انبیاء آیه 112

⁴ انشقاق آیه 2 و 1

⁵ سبا آیه 26

⁶ زمر آیه 69

⁷ زمر آیه 75

و ای رسول در آن روز فرشتگان (رحمت) را مشاهده کنی که گرداگرد عرش با عظمت الهی درآمده و به تسبیح و ستایش خدا مشغولند و میان اهل بهشت و دوزخ به حق حکم شود و (همه زبان به حمد خدا گشایند و) گویند سپاس و ستایش خاص خدای جهانیانست **۷۵**

وَاللّٰهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ **۲۰**^۱

خدا در عالم به حق حکم میکند و غیر او آنچه را به خدائی میخوانند هیچ حکم (و اثری) در جهان نتوانند داشت خداست که (دعای خلق را) شنوا و (به احوال بندگان) بیناست **۲۰**

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ اَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ فَاِذَا جَاءَ اَمْرُ اللّٰهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ **۷۸**^۲

و ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا شاید معجز و آیتی برای امت بیاورد و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فراسد آن روز بر همه به حق حکم کنند و کافران مبطل زیانکار شوند **۷۸**

11- سخن تا حق نگفتن و حرف حق زدن

وَ اِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيسٰى ابْنُ مَرْيَمَ اَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَاُمِّي الْهَيْئَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قَالَ سُبْحٰنَكَ مَا يَكُوْنُ لِيْ اَنْ اَقُوْلَ مَا لَيْسَ لِيْ بِحَقٍّ اِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِيْ نَفْسِيْ وَلَا اَعْلَمُ مَا فِيْ نَفْسِكَ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ **۱۱۶**^۳

و یاد کن آنگاه که خدا به عیسی بن مریم گفت آیا تو مردم را گفتی که من و مادرم را دو خدای دیگر سواي خدای عالم اختیار کنید ؟ عیسی گفت خدایا تو (از شبه و مثل و شریک) منزهی هرگز مرا نرسد که چنین سخنی بناحق گویم چنانچه من این گفته بودمی تو میدانستی که تو از سرائر من آگاهی و من از سر تو آگاه نیستم همانا تویی که بهمه اسرار غیب جهانیان کاملاً آگاهی **۱۱۶**

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ قَالَ اُوْحٰى اِلَيَّ وَلَمْ يُوْحَ اِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَاُنْزِلْ مِثْلَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَوْ تَرٰى اِذِ الظّٰلِمُوْنَ فِيْ غَمْرٰتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوْا اَيْدِيْهِمْ اَخْرِجُوْهُمُ الْيَوْمَ تَجْزُوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيٰتِهِ تَسْتَكْبِرُوْنَ **۹۳**

^۱ غافر آیه ۲۰
^۲ مائده آیه ۷۸
^۳ مائده آیه ۱۱۶

و کیست ستمکارتر از آنکس که بر خدا دروغ بندد و یا وحی به او نرسیده گوید به من وحی میرسد (و به دروغ دعوی علم و نبوت کند) و نیز گوید من هم محققا مانند آن کتاب که خدا فرستاده خواهم آورد و اگر فضاحت و سختی حال ستمکاران (و مدعیان باطل) را ببینی آنگاه که در سكرات موت گرفتار آیند و فرشتگان برای قبض روح آنها دست قهر و قدرت برآورند و گویند که جان از تن بدرکنید امروز کیفر عذاب و خواری میکشید چون بر خدا سخن بناحق میگفتید و از حکم آیات او گردن کشی و تکبر مینمودید ^{۹۳}

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾

و اگر دعوی خود را بر حق می دانستند البته با کمال انقیاد سر به حکم خدا فرود می آوردند ^{۴۹}

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا تَغْلُواْ فِى دِينِكُمْ غَيْرَ ٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُواْ أَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّواْ مِن قَبْلِهِ أَضَلُّواْ كَثِيرًا ۚ وَضَلُّواْ عَن سَبِيلِ ٱلسَّبِيلِ ۚ

ای اهل کتاب در دین خود بناحق غلو نکنید و از پی خواهشهای آن قومی که خود گمراه شدند و بسیاری را نیز گمراه کردند و از راه راست دور افتادند نروید ^{۷۷}

قَالُوا أَجِئْنَا بِٱلْحَقِّ أَمْ ٱنتَ مِنَ ٱللَّعِينِ ﴿٥٥﴾

قوم به ابراهیم گفتند آیا تو بر علیه شرک و اثبات توحید حرف حق و حجت قاطعی داری یا سخنی به بازیچه و هزل میرانی ؟ ^{۵۵}

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِٱلْحَقِّ وَآخَسَنَ تَفْسِيرًا ﴿٣٣﴾

و کافران بر تو هیچ مثل باطل (و اعتراض ناحق) نیاورند مگر آنکه ما در مقابل برای تو سخن حق را با بهترین بیان پاسخ آنها آریم ^{۳۳}

فَإِنْ عَشَرَ عَلَىٰ أَتَّهْمَا أَسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ ٱلَّذِينَ أَسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ ٱلْأُولَٰئِينَ فَيَقْسَمَانِ بِٱللَّهِ لَشَهِدَتُنَا أَهَقُّ مِنْ شَهِدَتِهِمَا وَمَا آخُذَيْنَا إِنَّا

إِذَا لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠٧﴾

اگر بر احوال آن دو شاهد اطلاعی حاصل شد که مستوجب کیفر گناهی شده‌اند دو شاهد دیگر که احق (

بارش ^۱ انعام آیه ۹۳ ^۲ نور آیه ۱۲۹ ^۳ مائده آیه ۷۷ ^۴ انعام آیه ۵۵ ^۵ فرقان آیه ۳۳ ^۶ مائده آیه ۱۰۷

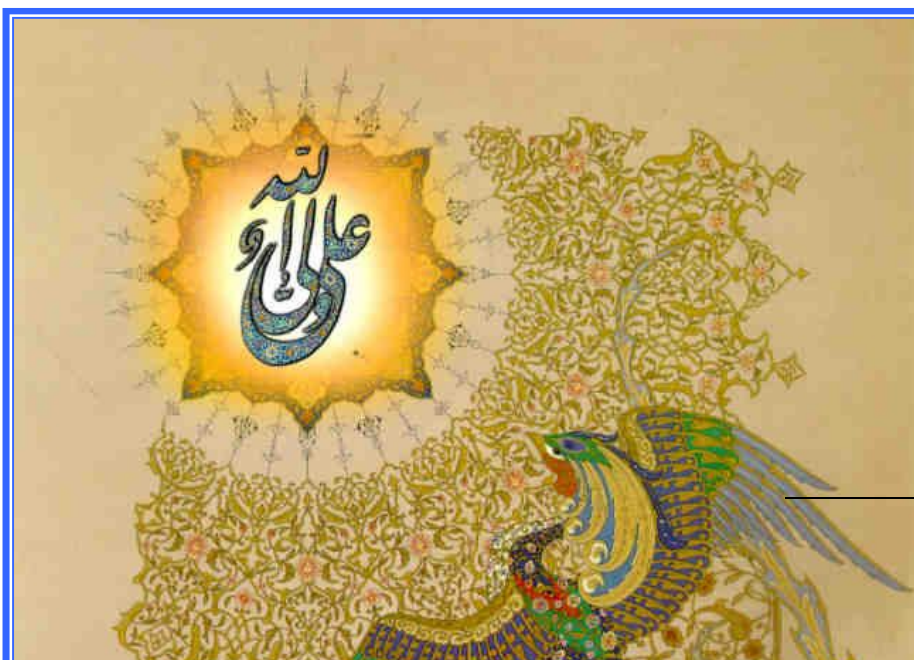
۱۰۷

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى
بَعْضٍ فَأَخَكُمُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تَشْطِطْ وَآعِدْنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ¹ ۲۲

هنگامی که داخل شدند در محراب ، داود سخت هراسان شد (که مبادا دشمن باشند) آنان بدو گفتند مترس
ما دو تن خصم یکدیگریم که بر هم ستم کرده‌ایم (و به حکومت پیش تو آمده‌ایم) میان ما به حق حکم کن و با
هیچیک جور و طرفداری مکن و ما را به راه راست دلالت فرما ۲۲

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ
الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ
شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا الْحِسَابَ ۲۶

ای داود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم تا میان خلق خدا به حق حکم کنی و هرگز هوای نفس را
پیروی نکنی که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب (و قیامت) را
فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد ۲۶



12- تکذیب حق و تمسخر آن

1

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾

حق را که بر آنها آمد (یعنی دین اسلام و قرآن و پیغمبر خدا) جدا تکذیب کردند پس بزودی خبر آنانکه حق را بفسوس و سخریه گرفتند بشما می‌رسد (که چه روزگار سختی بآنها خواهد رسید) ﴿٥﴾

2

بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾

با آنکه ما (رسول و کتاب و حجت و دین) حق را به ایشان فرستادیم باز دروغ می‌گویند (و منکر آن حقایق میشوند) ﴿٩٠﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾

آیا هیچکس از آنکه بر خدا دروغ بست و رسول حق را که برای هدایت او آمد تکذیب کرد در عالم ستمکارتر

هست؟ (هرگز نیست) آیا جایگاه کافران ستمکار در آتش دوزخ نیست؟ (البته هست) ﴿٦٨﴾

انعام آیه 5
2 مومنون آیه 90
3 عنکبوت آیه 68

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ¹ ٥

بلکه کافران چون رسول آمد (به جای ایمان) حق را تکذیب کردند و در کار بزرگ (رسالت و قرآن با عظمت) مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند) ٥

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ² ٤٠

آن مؤمنانی که (به ظلم کفار) به ناحق - از خانه هاشان آواره شده (و) جز آنکه میگفتند پروردگار ما خدای یکتاست (هیچ جرمی نداشتند) و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعهها و دیر و کنشتها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار میشود همه خراب و ویران میشد و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد که خدا را منتهای اقتدار و

تواناییست 13- عذاب قیامت حق است

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبُّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ³ ٣٠

اگر سختی حال آنها را آنگاه که در پیشگاه عدل خدا بازداشته شوند مشاهده کنی که خدا بآنها خطاب کند آیا عذاب قیامت حق نبود ؟ جواب دهند پروردگارا قسم بذات تو که همه حق بود پس خدا عتاب کند که اینک عذاب را به کیفر کفرتان بچشید ٣٠

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ⁴ ٩٦

البته آنان که حکم عذاب خدا بر آنها حتم است ایمان نیماورند ٩٦

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمِنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يَنْ يَنْ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ⁵ ١٨

¹ ق آیه 5
² حج آیه 40
³ انعام آیه 30
⁴ یونس آیه 96

آیا (ای هوشمند به چشم بصیرت) مشاهده نکردی که هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و درختان و جنبندگان و بسیاری از آدمیان همه (با کمال شوق) به سجده خدا (و اطاعت او) مشغولند ؟ و بسیاری از مردم هم (در اثر کفر و عصیان) مستوجب عذاب حق شدند و هر که را خدا خوار و ذلیل گرداند دیگر کسی او را عزیز و گرامی نتواند کرد که البته خدا (ی مقتدر حکیم) بهر چه مشیت کامله اش تعلق گیرد خواهد کرد ﴿۱۸﴾

2

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غَنَاءَ فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

تا آنگاه که صیحه و بانگ عذاب آنها را بگرفت و ما آنان را (خاک و) خاشاک بیابان ساختیم که ستمکار مردم از رحمت الهی دور باد ﴿۴۱﴾

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا

در آن حال آنان که وعده عذابشان محقق و حتمی³ شده (یعنی پیشوایان کفر) گویند پروردگارا ما که این مردم را گمراه کردیم سببش گمراهی ما بود که خلق را هم مانند خود گمراه می - خواستیم و امروز (از کردار بد خویش و) از پیروان خود به سوی تو بیزاری میجوئیم که آنها (از روی عقیده) ما را نمی پرستیدند بلکه به هوای نفس خود در پی ما آمدند ﴿۶۳﴾

4

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾

البته وعده عذاب ما بر اکثر آنان چون ایمان نمی آورند حتمی و لازم گردید ﴿۷﴾

5

لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾

تا هر که زنده (دل است) است او را به آیاتش پند دهد (و از خدا و قیامت بترساند) و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد ﴿۷۰﴾

6

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿٣١﴾

پس امروز بر همه ما وعده انتقام خدا حتمی است باید البته عذاب را بچشیم ﴿۳۱﴾

إِنْ كُلُّ الْإِسْلَامِ كَذَبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابُ ﴿١٤﴾

1 حج آیه 18
2 مومنون آیه 41
3 قصص آیه 63
4 پس آیه 7
5 پس آیه 70
6 صافات آیه 31

و آنان بجز تکذیب انبیاء فکری و عملی نداشتند بدینجهت عقاب ما بر آنها حتم و واجب گردید ﴿۱۴﴾

۲
إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿۶۴﴾

(ای اهل ایمان بدانید که) این منازعه (بنی - امیه و بنی عباس و غیره از) اهل آتش دوزخ محقق و حتمی است ﴿۶۴﴾

۳
أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿۱۹﴾

آیا کسی که وعده عذاب خدا بر او محقق و حتمی (و به دوزخ قهر و شقاوت معذب) است تو (به پند و نصیحت) میتوانی از آن آتش قهرش برهانی ؟ (هرگز نمیتوانی یعنی چنین کسی از فرط شقاوت گوش به پند تو نمیدهد تا هدایت یابد) ﴿۱۹﴾

يُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۷۱﴾ ۴

رویشان بگشایند و خازنان دوزخ به آنها گویند مگر پیغمبران خدا برای هدایت شما نیامدند و آیات الهی را برایتان تلاوت نکردند و شما را از ملاقات این روز سخت نترسانیدند ؟ جواب دهند بلی و لیکن (افسوس که ما پند نگرفتیم و به کفر و عصیان خود را مستحق عذاب حرمان کردیم) و وعده عذاب برای کافران محقق و حتمی گردید ﴿۷۱﴾

و يَوْمَ يُغْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۳۴﴾ ۵

و روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه کنند (و آنان آتش را به چشم ببینند به آنها گویند) آیا این وعده دوزخ حقیقت نبود گویند بلی پروردگارا حق بود (افسوس که ما از جهالت ایمان نیاوردیم) خدا گوید پس امروز به کیفر کفرتان سختی عذاب دوزخ را بچشید ﴿۳۴﴾

^۱ ص آیه ۱۴
^۲ ص آیه ۶۴
^۳ زمر آیه ۱۹
^۴ زمر آیه ۷۱
^۵ احقاف آیه ۳۴

14- خداوند حق است

فَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ الْحَقِّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ¹ ﴿٣٢﴾

چنین خدای قادر یکتائی براستی پروردگار شماسست و بعد از بیان این راه حق و خداشناسی چه باشد غیر گمراهی پس (شما از راه حق و حقیقت) بکجا میروید ؟ ² ﴿٣٢﴾

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ
وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ² ﴿١١٤﴾

پس بلند مرتبه است و بزرگوار خدائی که به حق و راستی پادشاه ملک وجود است و تو ای رسول پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو رسد تعجیل در (تلاوت و تعلیم) آن مکن و دائم بگو پروردگارا بر علم من بیفز

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّ الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ³ ﴿٦﴾

این (آثار قدرت) دلیل است که خدای قادر حق است و هم او البته مردگان را زنده خواهد کرد و او محققا بر

هر چیز تواناست ⁴ ﴿٦﴾

¹ یونس آیه 32

² طه آیه 114

³ حج آیه 6

ذَٰلِكَ بَآءَ ٱللَّهُ هُوَ ٱلْحَقُّ وَ أَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ ٱلْبَاطِلُ وَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ
ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ ^{٦٢} ^١

حقیقت اینست که خدای یکتا حق مطلق است و هر چه جز او خوانند باطل صرف است و علو مقام و بزرگی
شان مخصوص ذات پاک خداست ^{٦٢}

فَتَعَلَى ٱللَّهِ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ ^{١١٦} ^٢

(چنین نیست) زیرا خدای پادشاه به حق برتر از آنست (که ازو فعل عبث و بیپوده صادر شود) که هیچ
خدائی به جز همان پروردگار عرش مبارک نخواهد بود ^{١١٦}

يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلْحَقَّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبِينُ ^{٢٥} ^٣

که در آن روز خدا حساب و کیفر آنها را تمام و کامل خواهد پرداخت ^{٢٥}

وَ نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ ٱلْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ
عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ ^{٧٥} ^٤

و آن روز ما از هر امتی شاهدهی برگرفته و گوئیم اینک برهانی (بر آن دعوهای باطل که در دنیا داشتید)
اقامه کنید (آنگاه آنها رسوا شده و) بدانند که حق و حقیقت با خدا (و رسولان او) است و آنچه به دروغ
فریاد میفرمودند همه نابود گردد ^{٧٥}

ذَٰلِكَ بَآءَ ٱللَّهُ هُوَ ٱلْحَقُّ وَ أَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ٱلْبَاطِلُ وَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِىُّ
ٱلْكَبِيرُ ^{٣٠} ^٥

این قدرت کامل بدین سبب است که خدای یکتا حق مطلق و آنچه به جز او به خدائی میخوانید همه باطل محض
است و تنها خدا (که حق و وجود حقیقی است) بلند مرتبه و بزرگوار است ^{٣٠}

سَنُرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِى ٱلْأَفَاقِ وَ فِى أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمُ ٱللَّهُ ٱلْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكُنْ
بِرَبِّكَ إِلَهٌ غَيْرُ شَيْءٍ شَهِيدٌ ^{٥٣} ^١

^١ حج آیه ٦٢
^٢ مومنون آیه ١١٦
^٣ نور آیه ٢٥
^٤ قصص آیه ٧٥
^٥ لقمان آیه ٣٠

ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن میگردانیم تا (در خلقت آفاق و انفس نظر کنند و خداشناس شوند و) ظاهر و آشکار شود که (خدا و آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه) بر حقست آیا ای رسول (همین حقیقت که) خدا بر همه موجودات عالم پیدا و گواهدست کفایت از برهان نمیکند ؟ **۵۳**

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ² **۸۶**

و غیر خدای یکتا آنان را که به خدائی میخوانند قادر بر شفاعت کسی نیستند مگر (عزیر و عیسی و فرشتگان آن) کسانی که با علم الیقین و بر توحید حق گواهی دهند (و شفاعت اهل حق کنند) **۸۶**

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ إِلَّا لِمَنْ أَسْرَعَ الْحَسْبُ ³ **۶۲**
سپس بسوی خدای عالم که به حقیقت مولای بندگانست همه باز میگردند آگاه باشید که حکم و حساب خلق با خداست و او زودتر از هر محاسبی بحساب خلق رسیدگی تواند کرد **۶۲**

مُسْتَفْهِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبَى فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ⁴
شدهاید بیائید و چون غذا تناول کردید زود از پی کار خود متفرق شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس به سخن رانی پردازید که این کار پیغمبر را آزار میدهد و او به شما از شرم اظهار نمیدارد ولی خدا را از شما بر اظهار حق خجلتی نیست . و هرگاه از زنان رسول متاعی میطلبید از پس پرده طلبید که حجاب برای آنکه
وَلَا تَتَّبِعِ الشَّفَعَةَ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أُذِنَ لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ⁵ **۲۳**

و شفاعت کسی هم جز آنکه خدا به او اذن شفاعت داده سودمند نیست (پس از اینان چشم شفاعت مدارید و خاصان و انبیاء را در دنیا و آخرت شفیع خود قرار دهید) تا چون آن خاصان از دلهاشان اضطراب جلال و سطوت الهی برطرف شود پرسند خدای شما (در باب شفاعت) چه فرمود پاسخ دهند که حق (و درستکاری و شفاعت مؤمنان نه مشرکان و منافقان فرمود) که او خدای بلند مرتبه بزرگوار است (و هیچکس را جرئت مخالفت امرش (نیست) **۲۳**

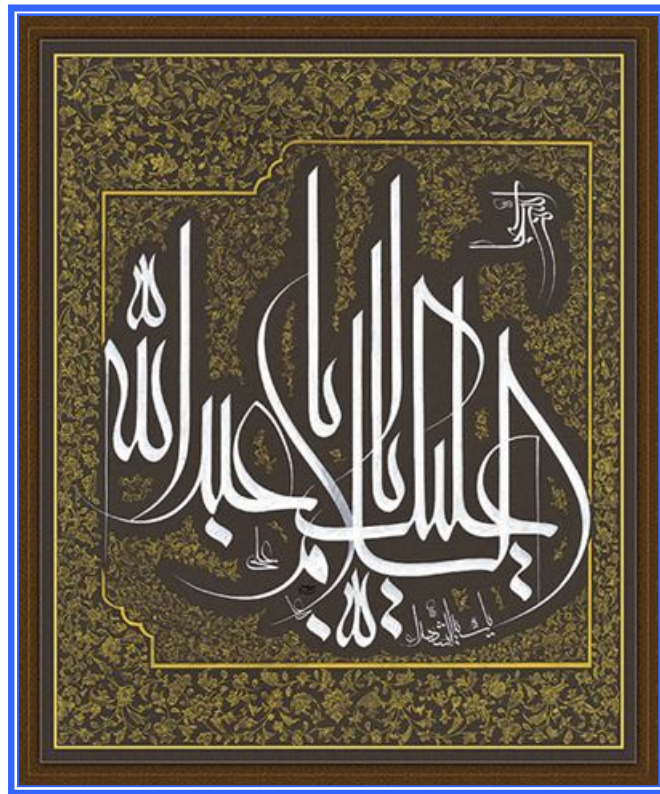
¹ فصلت آیه 53

² زخرف آیه 86

³ انعام آیه 62

⁴ احزاب آیه 53

⁵ سبا آیه 23



15- آفرینش آسمانها و زمین حق است

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ٧٣¹

و اوست خدائی که آسمانها و زمین را بحق آفرید و روزی که (ندای حق در خوابگاه عدم بهر چیز) خطاب کند که موجود باش آن چیز بی‌درنگ موجود خواهد شد سخن او حق است و پادشاهی و حکم و فرمان عالم روزی که (برای زنده کردن مردگان) در صور بدمند تنها با اوست و دانای نهان و آشکار اوست و هم او بتدبیر خلق دانا و بر همه چیز عالم آگاهست ٧٣

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ²

اوست (خدائی) که آفتاب را رخشان و ماه را تابان فرمود و سیر ماه را در منازلی معین کرد تا بدین واسطه شمار ماه‌ها را بدانند (برای امر معاد و نظم معاش خود) بدانید اینها را خدا جز بحق و مصلحت نظام خلق نیافریده (و بازیچه نشاید پنداشت) خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت مفصل بیان خواهد

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَئُودَ يَذْهَبُكُمْ وَيَأْتِ
بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾

ای بشر ندانستی که خدا آسمانها و زمین را بحق آفریده (و برای مقصود بزرگی خلق کرده است) و اگر
بخواهد شما جنس بشر همه را در زمین نابود میسازد و خلقی دیگر از نو میآفریند ﴿١٩﴾

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ
فَاصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾

و ما آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست بجز برای مقصودی صحیح و حکمتی بزرگ خلق نکرده‌ایم و
الته ساعت قیامت (که غرض و مقصود اصله خلقت شماست) خواهد آمد اکنون تو ای رسول ما از این

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ - دلتنگ مباش (﴿٨٥﴾
خدا آسمانها و زمین را برای غرضی محقق و حکمتی بزرگ آفرید و از آنچه مشرکان شرک آرند متعالی و منزّه
است ﴿٣﴾

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾

خدا آسمانها و زمین را به حق (و در کمال حکمت) آفریده (نه بر باطل و لغو و عبث) و در این خلقت
آسمان و زمین آیت و نشانه ربوبیت کاملاً برای اهل ایمان پدیدار است ﴿٤٤﴾

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا
بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُونَ ﴿٨﴾

آیا در پیش نفوس خود تفکر نکردند (تا بدین حکمت پی برند) که خدا آسمانها و زمین و هر چه در بین
آنهاست (از انواع بی‌شمار مخلوق) همه را جز به حق (و برای حکمت و مصلحت) و به وقت و حد معین
نیافریده است . و بسیاری از مردم (چون فکر در حکمت خلق نمیکنند) به شهود لقای خدای (در عالم
غیب و وعده ثواب و عقاب بهشت و دوزخ و قیامت) بکلی کافر و بی‌عقیده‌اند ﴿٨﴾

¹ ابراهیم آیه 19

² حجر آیه 85

³ نحل آیه 3

⁴ عنکبوت آیه 44

⁵ روم آیه 8

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُونُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُونُ النَّهَارُ عَلَى
 اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ^۱ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ
 آسمانها و زمین را به حق و راستی و برای حکمت و غرض ثابتی ایجاد کرد و شب را بر روز و روز را بر شب
 بیوشانید و خورشید و ماه را مسخر کرده تا هر یک (برمدار خود) به وقت معین گردش کنند باری ای
 بندگان آگاه باشید که او خدای مقتدر و مطلق و آمرزنده (گناه خلق) است ^۵

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ^۲
 نها را جز به حق و از روی حکمت و مصلحت نیافریدیم و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند

وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ
 لَا يَظْلَمُونَ ^۳ **۲۲**

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ ^۴ **۳**

ما آسمانها و زمین و آنچه بین آنها است جز به حق (و برای حکمت و مصلحت خلق) و جز در وقت معین
 نیافریده‌ایم و آنان که کافرند از هر چه پند و اندرزشان کنند روی میگردانند ^۳

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ^۵
 خدا زمین و آسمانها را به حق (و به نظم احسن اتقن) آفرید و شما آدمیان را به زیباترین صورت برنگاشت و
 باز - گشت همه خلائق به سوی اوست ^۳

وَ أَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حَقَّتْ ^۶
 و به فرمان خدا گوش فرادهد و البته زمین که مخلوق حقست سزد که فرمان او پذیرد

^۱ زمر آیه ۵
^۲ دخان آیه ۳۹
^۳ جاثیه آیه ۲۲
^۴ احقاف آیه ۳
^۵ تغابن آیه ۳
^۶ انشقاق آیه ۵

16 - قدر شناسی و شناخت خداوند حق است

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَن
 أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ¹

آنها که (از کفر و عناد) گفتند خدا بر هیچ کس از بشر کتابی نفرستاده خدا را نشناختند ای پیغمبر
 بآنها پاسخ ده که کتاب توراتی را که موسی آورد و در آن نور علم و هدایت خلق بود که (غیر حق) بر او
 فرستاد ؟ که شما آیات آنرا در اوراق نگاشته بعضی را آشکار نمودید و بسیاری را پنهان داشتید و آنچه را شما

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ²

(این مشرکان) مقام خدا را نشناختند که خدا ذاتیست بی نهایت توانا و بی همتا

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ
 مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ¹ ۶۷

و آنان که غیر خدا را طلبیدند خدا را چنان که شاید به عظمت نشناختند و اوست که روز قیامت زمین در
 قبضه^۱ قلم برای او و آسمانها در پیچیده بدست سلطنت اوست آن ذات پاک یکتا منزّه و متعالی از شرک مشرکان (

بلکه از فکر موحدان) است ۶۷



17- کشتن به حق باشد (به جا آوردن حق جهاد)

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ
وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ² ۱۵۱

آرید دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید ما شما و آنها را روزی میدهیم و دیگر بکارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که حرام کرده جز بحق (یعنی به حکم حق و قصاص) بقتل نرسانید شما را خدا باین اندرزها سفارش نموده باشد که (در مصلحت این احکام) تعقل کنید (تا از روی عقل و فهم کار بندید و سعادت یابید) ۱۵۱

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا
لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ³ ۳۳

و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه بحکم حق مستحق قتل شود و کسی که خون مظلومی را بناحق بریزد ما به ولی او حکومت و تسلط بر قاتل دادیم پس در مقام انتقام آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود (اکثر مفسرین و محققین امامیه این آیه را راجع ^۱ زمر آیه ۶۷ ^۲ بانهام قیام ۵۱ ^۳ اسرا آیه ۳ عصر از قاتلین حضرت حسین " ع " طبق اخبار و روایات تفسیر کرده‌اند و البته این یکی از مصادیق بزرگ آیه است) ۳۳

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا¹

و آنان هستند که با خدای یکتا کسی را شریک نمیخوانند و نفس محترمی را که خدا حرام کرده به قتل نمی-
رسانند و هرگز گرد عمل زنا نمی- گردند که هر که این عمل کند کیفر گناهش را خواهد یافت **۶۸**

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا²

و برای خدا حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) به جای آرید (و در طلب رضای او
بقدر طاقت بکوشید) او شما را به دین خود سرافراز کرده و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاده (و
این آئین اسلام) مانند آئین پدر شما ابراهیم خلیل است که خدا از این پیش شما امت را در صحف او و در این
18- مرگ و روز قیامت حق است

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ³

روز محشر حقا روز سنجیدن اعمال است پس آنانکه در آن میزان حق وزین و نیکوکار بودند البته رستگار
خواهند بود **۸**

يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ⁴

که در آن روز خدا حساب و کیفر آنها را تمام و کامل خواهد پرداخت .

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا⁵

پادشاهی به حق در آن روز خاص خدای رحمانست و بر کافران (که محکوم بدوزخند) روز بسیار سختی
خواهد بود **۲۶**

¹ فرقان آیه 68

² حج آیه 78

³ اعراف آیه 8

⁴ نور آیه 25

⁵ فرقان آیه 26

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ۱

روزی که خلق آن صیحه (آواز اسرافیل) را به حق بشنوند آن روز هنگام خروج از قبرهاست

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ۲

این (وعد و وعید) البته یقین و حق و حقیقت است

ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ ۚ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ۳

چنین روز (که بدکاران به دوزخ معذب و نیکوکاران به بهشت ابد متنعمند) حتمی و محقق خواهد بود پس هر که می‌خواهد نزد خدای خود (در آن روز) مقام و منزلتی یابد (امروز در راه ایمان و طاعت بکوشد که چون از این عالم برفت دیگر کاری از برای درک سعادت و رفعت خود به درجات بهشت ابد نتواند کرد)

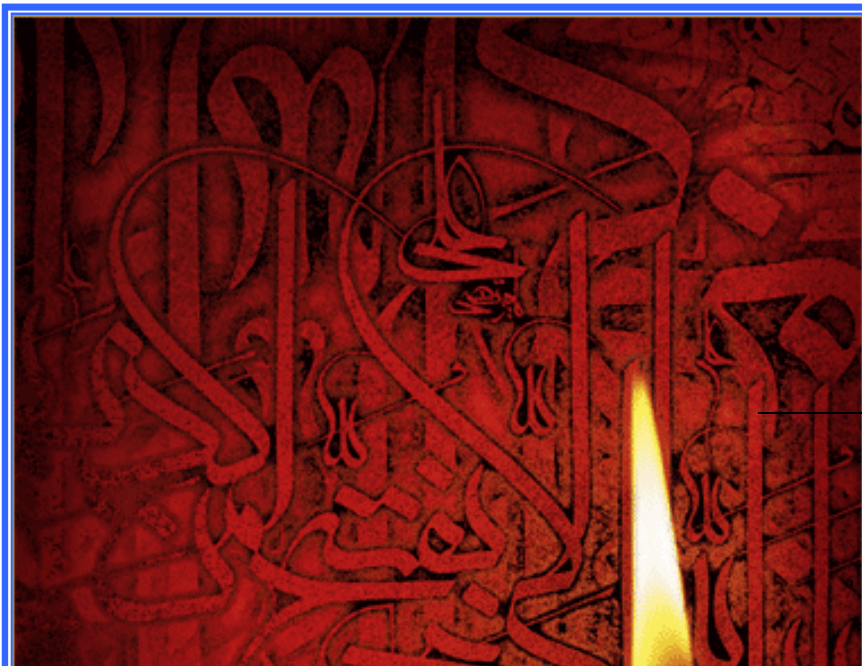
وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۴

و (به هوش آیید که) هنگام بی‌هوشی و سختی مرگ به حق و حقیقت فرا رسید آری همان مرگی بود که از او دوری می‌جستید (و سخت ترسان و هراسان بودید) ﴿ ۱۹ ﴾

هَٰنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ ۚ وَرُدُّوْا إِلَىٰ اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ۚ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَآ

كَانُوا يَفْتُرُونَ ﴿ ۳۰ ﴾ ۵

در آنروز (قیامت) هر شخصی جزاء اعمال نیک و بدی که پیش از این کرده خواهد دید و همه بسوی معبود و مولای حقیقی خود بازمیگردند و خدایان باطل که بدروغ می‌بستند همه محو و نابود شوند ﴿ ۳۰ ﴾



۱ ق آیه 42
۲ واقعه آیه 95
۳ نبا آیه 39
۴ ق آیه 19
۵ یونس آیه 30

19- ظلم و گناه و شرارت حق نیست و نا حق است

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾¹

بگو ای پیغمبر که خدای من هر گونه اعمال زشت را چه در آشکار و چه در نهان منع فرموده و گناهکاری و ظلم بناحق و شرک به خدا را که بر آن شرک هیچ دلیلی ندارید و اینکه چیزی را که نمیدانید از جهالت بخدا نسبت دهید همه را حرام کرده است ﴿٣٣﴾

فَلَمَّا أَنْجَلَهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾

¹ اعراف آیه 33

پس از آنکه ما از غرق نجاتشان دادیم باز در زمین بناحق ظلم و ستمگری آغاز کنند ای مردم (بدانید) شما هر ظلم و ستم کنید منحصرأ بنفس خویش کنید در پی متاع فانی دنیا آنگاه در آخرت که بسوی ما بازمیگردید شما را بآنچه (از نیک و بد) کرده‌اید آگاه می‌سازیم (و هر کس را بکیفر خود می‌رسانیم)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^۲

تنها راه مؤاخذه بر آنهایی است که به مردم ظلم کنند و در زمین به ناحق شرارت انگیزند بر آنها (در دنیا انتقام و در آخرت) عذاب دردناک است ^{۴۲}

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ^۳

گروهی (بطاعت خدا) ره نورد هدایت و گروهی (به پیروی شیطان) ثابت در گمراهی شدند چون خدا را گذارده و شیطان را بدوستی اختیار کردند و به باطل گمان می‌کردند که به راه راست هدایت یافته‌اند ^{۳۰}
همچنین حکم شقاوت و کلمه عذاب را فاسقان استحقاق یافتند که (با این دلیل روشن و برهان واضح) باز ایمان نمی‌آورند ^{۳۳}

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَيَجِدَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ
لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنْذِرُوا هُزُوًا^{۵۶}

و ما رسولان را جز برای بشارت (نیکان) و ترسانیدن (بدان) نفرستادیم و کافران با سخنان بی‌پوده باطل می‌خواهند جدل کرده و حق را پایمال کنند و آیات مرا آنچه برای تنبیه و اندازشان آمد (از جهل و غرور) به استهزاء گرفتند ^{۵۶}

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ
لِيَأْخُذُوا وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابُ^۶

(اگر امت ترا تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز پیغمبران را تکذیب کردند و هر امتی همت می‌گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و با جدل و گفتار

باطل^۱ یونس^{۲۳} حق را پایمال سازد و ما آنها را به کیفر کفر گرفتیم و چگونه عقوبت سخت کردیم ^۵

^۱ یونس^{۲۳} حق
^۲ یونس^{۲۳} حق
^۳ اعراف آیه ۳۰
^۴ یونس آیه ۳۳
^۵ کهف آیه ۵۶
^۶ غافر آیه ۵

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ
 مِنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ¹ ﴿٢٤﴾

آیا (مشرکان نادان) خدا (ی به حق و آفریننده مطلق) را رها کرده و خدایان باطل بی اثر را برگرفتند ؟
 بگو برهانتان چیست بیاورید . این ذکر خدای یکتا (و دعوت به توحید) سخن من و عالمان امت من است و
 همه انبیاء و دانشمندان پیش از من ، اما این مشرکان جاهل به حق دانا نیستند که از آن اعراض میکنند

20- حق پیروز است

اللَّهُ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ²

خدا قرار گیرد که او پروردگار ماست و بمصالح ما آگاهست و ما بر او توکل کنیم و از او فتح و فیروزی طلبیم
 پروردگارا تو در نزاع بین ما و امت ، بحق ما را فاتح گردان که تو بهترین فتح و فیروزی بخشنده‌ای ﴿٨٩﴾

لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيُبْطَلَ الْبَاطِلُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ³

تا حق (دین اسلام) را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد هر چند بدکاران و کافران را خوش
 نیاید ﴿٨٨﴾

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا⁴

و (به امت) بگو که (رسول حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق محو و نابودی (ابدی) است
 بل نقذف بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيُدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا

تصفیه آیه ۱۸۲

² اعراف آیه ۸۹

³ انفال آیه ۸

⁴ اسراء آیه ۸۱

بلکه ما (علاوه بر آنکه هیچ کار باطل نمیکنیم) همیشه حق را بر باطل غالب و فیروز میگردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و وای بر شما مردم جاهل که خدا را به وصف کار باطل و بازیچه متصف گردانید **۱۸**

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِي الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ²

باز ای رسول بگو (کتاب و رسول و یا شمشیر) حق آمد و دیگر باطل در اول و آخر (در دنیا و آخرت) محو و نابود است **۴۹**

21- تکبر در زمین حق نیست (ناحق است)

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلًّا³
 آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ
 مِنْ آيَاتِي بَيْنَنْد به آن ایمان نیاورند و اگر راه رشد و هدایت یابند آتراه نه پیموده و به عکس اگر راه جهل و
 گمراهی یابند پیش گیرند این (ضلالت آنها) بدین جهت بود که آیات خدا را تکذیب کردند و از فهم آن
 غافل و معرض شدند **۱۴۶**

وَاسْتَكْبَرُوا وَجُنُودَهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ⁴
 (خلاصه) فرعون و فرعونیان بناحق در زمین از فرمان حق سرکشی و تکبر کردند و چنین پنداشتند که (معاد و قیامتی نیست و) به سوی ما باز نخواهند گشت **۳۹**

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا
 أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ⁵

³ اعراف آیه 146
⁴ قصص آیه 39

اما قوم عاد در زمین بناحق تکبر و سرکشی کردند و به مغروری گفتند که از ما نیرومندتر در جهان کیست ؟ آیا آنها ندانستند که خدائی که آنها را خلق فرموده بسیار از آنان تواناتر است ؟ و باز آیات قدرت ما را با وجود این برهان انکار کردند ﴿۱۵﴾

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿۲۰﴾^۲

و روزی که کافران را بر آتش دوزخ متوجه سازند (فرشتگان قهر و عذاب به آنها گویند) شما لذات بهشتی و خوشیهایتان را در زندگانی دنیا به شهوت رانی و ظلم و عصیان از بین بردید و بدان لذات دنیوی برخوردار و دلباخته بودید پس امروز به عذاب ذلت و خواری مجازات میشوید چون در زمین به ناحق (ظلم و) تکبر کردید و راه فسق و تبه کاری پیش گرفتید ﴿۲۰﴾

22-هدایت به حق یافتن

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ^۳
جماعتی از قوم موسی (بدین حق) هدایت جسته و بان دین باز میگردند (یعنی مسلمان می شوند و مردم را هم بدین اسلام و قرآن دعوت میکنند) ﴿۱۵۹﴾

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ^۴
و از خلقی که آفریده ایم فرقه ای بحق هدایت میابند و از باطل همیشه به حق باز - میگردند (در تفاسیر شیعه آمده که مراد از این فرقه پیشوایان دین و ائمه معصومین علیهم السلام اند) ﴿۱۸۱﴾

قَتَلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَلَاغُونَ^۵ ﴿۲۹﴾

(ای اهل ایمان) با هر که از اهل کتاب (یهود و نصاری) که ایمان بخدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نمیدانند و بدین حق (و آئین اسلام) نمیگیرند قتال و کارزار کنید تا آنگاه که با

ذلت و اطاعت اسلام جزیه دهند ﴿۲۹﴾

^۱ فصلت آیه ۱۵

^۲ اعراف آیه ۱۵۹

^۳ اعراف آیه ۱۸۱

^۴ توبه آیه ۲۹

^۵ توبه آیه ۲۹

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ^{۳۵} ^۱

باز بگو آیا هیچ یک از شرکاء شما مشرکان کسی را براه حق هدایت تواند کرد بگو تنها خداست که خلق را براه حق و طریق سعادت هدایت میکند آیا آنکه خلق را براه حق رهبری میکند سزاوار به پیروی است یا آنکه نمیکند ؟ مگر آنکه خود به هدایت خدا هدایت شود پس شما مشرکان را چه شده (که آنقدر بیخرد و نادانید که بتان را راهنما دانید) و چگونه چنین قضاوت باطل برای بتها میکنید ^{۳۵}

23- اهل ایمان بحق هستند

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ^۲
 آنها بر راستی و حقیقت اهل ایمانند و نزد خدا مراتب بلند و آمرزش و روزی نیکو (علم و ادب) مخصوص آنها است ^۴

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا
 أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ^{۷۴} ^۳
 و آنانکه ایمان آوردند و (از دیار کفر وطن خود) هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنانکه مهاجران را با فداکاری منزل دادند و از آنها یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند و هم آمرزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست ^{۷۴}

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ^{۲۶}

^۱ یونس آیه ۳۵
^۲ انفال آیه ۴
^۳ انفال آیه ۷۴

چون کافران در دلها ناموس و حمیت ، آنهم حمیت جاهلیت پروردند (که نگذاشتند در عهدنامه صلح حدیبیه کلمه بسم الله و رسول الله بنویسند و مؤمنان را بر سر حمیت و غیرت ایمانی آوردند) که خدا وقار و اطمینان خاطر بر رسول خود و بر مؤمنان نازل کرد و آنان را با کلمه (اخلاص و مقام) تقوی ملازم کرد که آنها سزاوارتر (از دیگران) بر این مقام بودند و اهلیت آن داشتند و خدا به همه امور عالم داناست ﴿۲۶﴾

وَالْعَصْرِ ﴿۱﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿۲﴾

2

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾

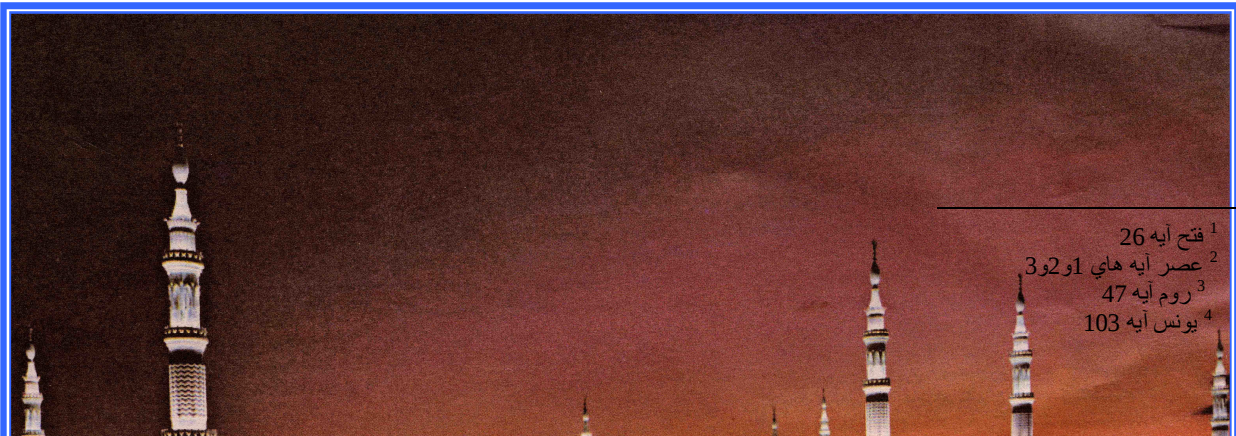
قسم به عصر (نورانی رسول یا دوران ظهور ولی عصر) ﴿۱﴾ که انسان همه در خسارت و زیانست ﴿۲﴾ مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند و به حفظ دین و اطاعت حق یکدیگر را ترغیب و تشویق کردند رسول اکرم " ص " فرمود هر که سوره

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۷﴾

و ای رسول ، ما پیش از تو پیمبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن آوردند پس (چون بعضی ایمان آورده و بعضی به راه کفر و عصیان شتافتند) ما هم از کافران بدکار انتقام کشیدیم و بر خود نصرت و یاری اهل ایمان را حتم گردانیدیم ﴿۴۷﴾

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۸﴾

و ما (از شر و فتنه امت و هلاکتی که بکافران رسد) رسولان خود و مؤمنانرا نجات میدهم این را ما بر خود فرض کردیم که اهل ایمان را نجات بخشیم ﴿۱۰۳﴾



¹ فتح آیه 26
² عصر آیه های 1 و 2
³ روم آیه 47
⁴ یونس آیه 103

24- دین اسلام حق است

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ¹ ﴿٣٣﴾

اوست خدائی که رسول خود (محمد مصطفی " ص ") را با دین حق بهدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند ﴿٣٣﴾

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمُ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ²

یا آنکه (از جهل) میگویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت میکند) چنین نیست بلکه در کمال عقل دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند ﴿٧٠﴾

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءَ وَ ءَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَ رَسُولٌ مُّبِينٌ ³

(و من تعجیل در عقوبت کافران نکردم) بلکه آنان و پدرانشان را (مهلت داده و از عمر) بهره مند کردیم تا آنکه دین حق و رسول مبین حقیقت اسلام بر آنها آمد ﴿٢٩﴾

لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ

¹ توبه آیه 33

² مومنون آیه 70

³ زخرف آیه 29

ما راه خدا و آئین حق را برای شما مردم آوردیم و لیکن اکثریتان از قبول حق کراهت و اعراض داشتید

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ
بِاللَّهِ شَهِيدًا ² ۲۸

او خدائست که رسول خود (محمد " ص ") را با قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا
غالب گرداند و بر حقیقت این سخن گواهی خدا کافیت ^{۲۸}

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُونَ ³ ۹

اوست خدائی که رسولش (محمد مصطفی " ص ") را به هدایت خلق و (ابلاغ) دین حق فرستاد تا او را هر
چند کافران خوش ندارند بر ادیان عالم بر همه غالب گرداند ^۹

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَاذِبُونَ ⁴
چنانچه خدا ترا از خانه خود بحق (و برای اعلاء دین حق) بیرون آورد و گروهی از مؤمنان سخت رای خلاف و
کراهت اظهار کردند (و تو بمخالفت آنها از حکم حق باز نگشتی و هجرت گزیدی) در امر آنفال و غیر آنها
به خواهش مردم توجه مکن پیرو امر خدا باش و از خلق ابدانندیشه مدار ^۵



- ¹ زخرف آیه 78
- ² فتح آیه 28
- ³ صف آیه 9
- ⁴ انفال آیه 5

25- فرستادن فرشتگان بحق است

1 مَا نَنْزِلُ الْمَلِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ

ای رسول ما پاسخ این سخن به آنها بگو ما فرشتگان را جز برای حق و حکمت و مصلحت نخواهیم فرستاد و آنگاه که بفرستیم دیگر کافران لحظه‌ای بر عذاب و هلاکتشان مهلتی نخواهند یافت **۸**

وَأَتَيْنَكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ²

و بحق و راستی بسوی تو آمده‌ایم و از آنچه گوئیم صدق محض است ۶۴

1 حجر آیه 8
2 حجر آیه 64

26- ادای حقوق خویشاوندان و محرومان

- وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا¹ >
 ای رسول ما تو خود و امتت حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را بحق
 خودشان برسان و هرگز (در کارها) اسراف روا مدار ۲۶
- وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ² >
 و در اموالشان بر فقیر سائل و محروم حقی منظور دارند دارند >
- وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ۲۴ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ³ ۲۵ >
 و آنان که در مال و دارائی خود حقی معین و معلوم گردانند ۲۴
 تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند ۲۵ >

¹ اسراء آیه 26
² ذاریت آیه 19
³ معارج آیه های 24 و 25

27- حق تابع هوای نفس نیست

وَلَوْ أَتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ
بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ¹ ﴿٧١﴾

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست فاسد خواهد شد (زیرا زمین و آسمان به حق استوار و جسم و جان عالم به حق زنده و پایدار است) و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند بلکه ما (به واسطه عقل کامل او) اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان به ناحق از آن اعراض کردند ﴿٧١﴾

ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ²

این قهر و عذاب شما کافران بدین سبب است که در دنیا از پی تفریح (و هوسرانی) باطل بودید و دایم به نشاط و شهوت پرستی سرگرم شدید ﴿٧٥﴾

¹ مومنون آیه 71
² غافر آیه 75

سوره هایی که تعداد یک آیه حق در آنها وجود دارد.

1- یوسف 2- نمل 3- مریم 4- طه 5- نجم 6- واقعه 7- ممتحنه 8- صف 9- تغابن 10- الحاقه 11-

معارض 12- نباء 13- انشقاق 14- عصر 15- دخان

سوره هایی که در آن کلمه حق وجود ندارد:

1- شعرا 2- حجرات 3- طور 4- رحمن 5- قمر 6- حشر 7- مجادله 8- جمعه 9- منافقون 10- طلاق

11- تحریم 12- ملک 13- قلم 14- نوح 15- جن 16- مزمل 17- مدثر 18- قیامت 19- انسان 20-

مرسلات

21- نازعات 22- عبس 23- تكوير 24- انفطار 25- مطففين 26- بروج 27- طارق 28- اعلی 29-
غاشیه 30- فجر 31- بلد 32- شمس 33- لیل 34- ضحی 35- نشرح 36- تین 37- علق 38- قدر 39- بینہ
40- زلزال 41- عادیات 42- قارعه 43- تکاثر 44- همزه 45- فیل 46- قریش 47- ماعون 48- کوثر
49 - کافرون 50- نصر 51- مسد 52- توحید 53- فلق 54- ناس

فصل دوم:

حق و حقیقت

در سخنان حضرت علی (ع)

حضرت علی (ع) در عهد نامه مالک اشتر به او این گونه فرمود:

وَلْيَكُنْ دَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ ۚ أَوْ سَطُّهَا فِي الْحَقِّ¹

و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که میانه ترین آن در حق باشد

1) اصل بر پا داشتن حق²

از مهمترین هدفهایی که دولت اسلامی دنبال می کند و برنامه های خود را بنا می نماید، بر پا داشتن حق است که امیر المومنین علی (ع) در سخنی به ابن عباس حکومت را وسیله اقامه حق و دفع باطل معرفی کرده است بنابراین برپاداشتن حق محوری است اساسی در اداره امور زمامداری به گونه ای که هر حرکتی باید بدان باز گردد و بر آن استوار شود و آن اصل عملی و حاکم بر برنامه ها و اقدامات باشد. در اندیشه سیاسی امیرالمومنین علی (ع) اداره امور جز بر پا داشتن حق به سامان نمی آید و برپایی حق سبب قوام و بقای حکومتها و دولتهاست. آن حضرت عمل به حق را وسیله نجات و مایه رستگاری معرفی کرده و فرموده:

مَنْ دَمَلَ بِأَلْحَقِّ نَجَا (و) أَفْلَحَ

هر که به حق عمل کند، نجات یابد (و) رستگار شود

بِالْإِثْقَالِ يَدُ صُلِّ الْإِسْمَ تَطْ هَارُ

با ملازمت حق، پشتیبان قوی حاصل می شود

¹ نهج البلاغه نامه 53

² دولت افتاب مصطفی دلشاد تهران صفحه 273 انتشارات دریا

مَنْ دَامَلَ بِالْحَقِّ مَالَ إِلَيْهِ الْخَلْقُ هر که به حق عمل کند مردمان بدو تمایل یابند

مردم به فطرت خود حق طلبند و متمایل به حق و بر این مبنا عمل به حق را دوست دارند و مادامکه فطرتشان در حجابهای غلیظ دنیا پرستی قرار نگرفته باشد حامیان و پشتیبانان حرکتهای حق طلبانه اند. عمل به حق عین موفقیت است به بیان امیر مومنان علی (ع) :

مَنْ جَاهَدَ عَلَىٰ إِقَامَةِ الْحَقِّ وَفَقَّ :

هر که در راه برپایی حق مجاهده کند، توفیق یابد.

البته عمل به حق و پایبندی به موازین، کاری دشوار است، چنانچه امیر المومنین علی (ع) در ضمن خطبه‌ای که در میدان پیکار صفین ایراد کرد بدان اشاره فرمود:

أَوَّلُ مَا وَسَّعُ الْأَشْيَاءِ فِي الدَّوَاصِفِ، وَآخِرُهَا فِي التَّنَاصُفِ¹

دایره حق در توصیف و در مرحله سخن از هر چیز وسیعتر است، ولی به هنگام عمل کم وسعت‌ترین عرصه‌هاست.

با توجه به این حقیقت کسانی می‌توانند اصل بر پا داشتن حق را پاس دارند و عاملان به حق و حافظان آن در اداره امور باشند متّصف به ویژگیهای مشخص و پایبند به امور خاص باشند.

¹ نهج البلاغه خطبة 216

(2) حق‌گرایی برترین معیار در سیاست و مدیریت¹

کسانی می‌توانند در مدیریت خود حق را به پا دارند که آن را برترین معیار در سیاست و مدیریت بشناسند و نگاهشان به حق این گونه باشد و آن را محور همه چیز قرار دهند و حاضر نباشند از حق عدول کنند و به سمتی دیگر گرایش یابند و از جاده حق به چپ و راست میل کنند.

يَكُنْ أَهْلَ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ²

باید محبوب‌ترین و پسند‌ترین کارها نزد تو میانه ترینشان در حق باشد



¹ دولت افتاب مصطفی دلشاد تهران صفحه 273 انتشارات دریا
² نهج البلاغه نامه 53

3) توصیف حق و عمل به آن

محور قرار دادن حق در اداره امور تنها به پسندیدن حق نیست، بلکه باید عملاً حق را به پا داشت و به

توصیف حق و مداحی آن بسنده ننمود. به بیان امیر المومنین علی (ع)

يَصِفُ الْاَدَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ¹

حق را می گوید و به حق عمل می کند.

4) مقدم داشتن حق بر منافع شخصی و گروهی

مدیرانی می توانند حق را بر پا دارند که آن را بر منافع شخصی و گروهی مقدم دارند و هر جا وسوسه -

های منافع شخصی و گروهی به وجود آید، حق را ملاحظه نمایند و از هر چیز جز آن چشم پوشند و

زیانهای ناشی از عمل به حق را زیان نبینند و جز بدان به چیزی پایبند نباشند علی (ع) در ضمن سخنان

بعد از حکمیت، آن هنگام که خوارج مسأله حکمیت را انکار کردند چنین فرمودند:

عَنْدَ اللَّهِ مَنْ كَانَ الْعَمَلُ بِالْحَقِّ أَحَبَّ إِلَيْهِ وَإِنْ نَقَصَهُ وَكَرَّتْهُ مِنَ الْبَاطِلِ

وَإِنْ جَرَّ إِلَيْهِ زَادَهُ

همان برترین مردمان در نظر خدا کسی است که عمل به حق نزد او محبوبتر از باطل باشد، گرچه از نفع

و قدر او بکاهد و برایش مشکلاتی پیش آرد، و باطل برای او منافی فراهم سازد و برایش رتبت و

زیادتی به بار آورد.

¹ نهج البلاغه خطبة 87

5) پابندی به حق و پایداری در آن

لازمه اصل بر پا داشتن حق در اداره امور، پابندی به حق و پایداری در آن است. عوامل گوناگون درونی و بیرونی، حق طلبانه را تحت فشار قرار می دهد تا در راه بر پا داشتن حق از مواضع خود عدول کنند و به سازشکاری میل نمایند و آنچه آنان را در راه حق حفظ می کند پابندی شان به حق و پایداری در حق است امیر المومنین علی (ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر نخعی این حقیقت را یاد آور شده است که زمامداری و کارگزاران جز با پابندی به حق و پایداری در آن نمی توانند حق را به پا دارند و حقوق مردمان را بدیشان برسانند و کارها را به سامانی که باید برسانند.

وَاللَّهُ لَعَلِّي سَلَوْتُ إِلَيْهِ حَقِّي بِقَدْرِ مَا يُصْلِحُهُ وَلَيْسَ يَخْرُجُ إِلَيَّ مِنْ مِمَّةِ اللَّهِ بِنِ دَالِكِ إِلَّا بِالْإِذْنِ هَتَمَامٍ وَالْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ تَوَطُّيْنَ نَفْسِهِ عَلَيَّ لُزُومِ الْحَقِّ وَالْإِسْتِغْنَاءِ عَنْهُ فِيهَا خَفَاءً عَطْلُوقُ تَقُولَ¹

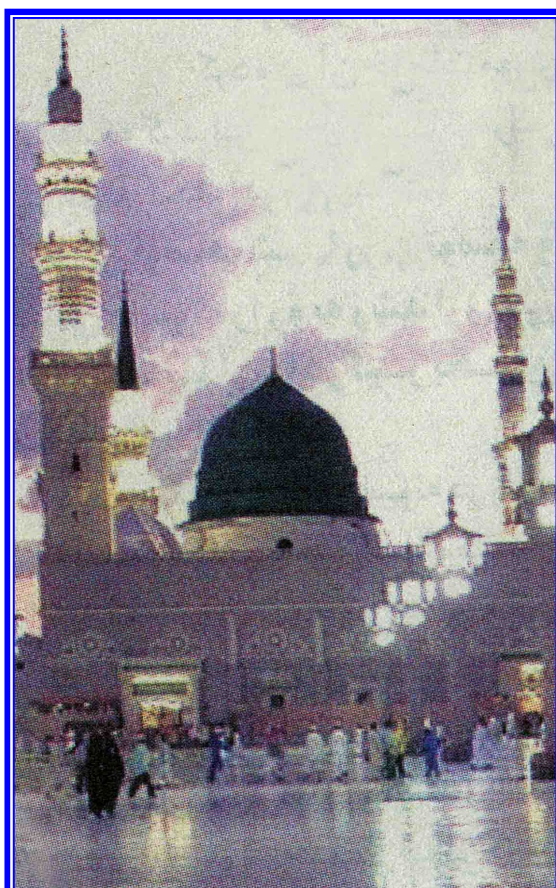
برای هر یک از گروههای پایین جامعه نزد خدا سهمی مقرر است، و هر یک را بر والی حقی، چندان که کارشان را سامان دهد، و والی چنان چه باید از عهده آنچه خدا بر او واجب کرده بر نیاید، جز با کوشش و از خدا یاری جستن و خود را برای اجرای حق آماده نمودن و پابندی بدان و شکیبایی در انجام آن خواه سبک باشد خواه سنگین.

¹ نهج البلاغه نامه 53

در منظر امیر مومنان علی (ع) مهمترین خلق و خوی و ویژگی برای زمامداری و کارگزاران پابندی به حق و پایداری در آن است که جز بدان، حقوق مردمان ادا نشود و اهداف دولت اسلامی تحقق نیابد آن حضرت در نامه خود به فرزندش حسن (ع) چنین فرمود است:

جَهَّادِ وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ دَوْمَهُ لَا نَمِ وَخُصَّ الْغَمَرَاتِ لِلدَّقِّ دَيْثُ كَانَ
الدَّيْنِ وَ عَوْ دُ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نِعْمَ الذُّلُّ صَبْرٌ فِي الدَّقِّ¹

در راه خدا بکوش، چنانچه شاید، و هرگز سرزنش سرزنشگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد به خاطر حق، به هر دشواری، هر جا که باشد وارد شو و در دین تفقه کن. خود را به پایداری و شکیبایی در برابر مشکلات و آنچه ناخوشایند است عادت ده که شکیبایی و پایداری در راه حق، اخلاقی نیک و عادت پسنديده است.



¹ نهج البلاغه نامه 31

6) انتقاد پذیری، شرط بر پا داشتن حق

کسانی می‌توانند در اداره امور به حق عمل کنند و حق را بر پا دارند که از روحیه ای انتقاد پذیر و آماده برای پذیرش سخن حق و عدل بهره‌مند باشند. تا انسان پذیرای شنیدن نصیحت و انتقاد نباشد و گویی شنوا برای شنیدن سخن حق و عدل نداشته باشد نمی‌تواند حق را بر پا دارد و از حقوق مردمان دفاع نماید و آن را به درستی به جا آورد. امیر المومنان علی (ع) در ضمن خطبه‌ای در صفین ایراد کرد و در آن حقوق متقابل والی و رعیت را تبیین فرمود، این حقیقت را یاد آور شد و چنین آموخت:

يَا أَيُّهَا الْعَدْلُ إِنَّ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَأَنَّ الْعَمَلَ بِهِمَا أَثْقَلُ
فَلَا تَكُ وَاعِنٌ مَقَالَهُ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَهُ بِعَدْلٍ¹

و شنیدن سخن حق را بر من سنگین مپندارید و من خواهان آن نیستم که مرا بزرگ انگارید، چه آن کسی که شنیدن سخن حق را بر او گران افتد و عرضه کردن عدالت بر وی دشوار بُود، کار به حق و عدالت کردن بر او دشوارتر است. پس، از گفتن حق، یا رأی زدن در عدالت باز می‌ایستید.



7) قاطعیت و سازش ناپذیری در برپاداشتن حق

برای برپاداشتن حق باید محکم و استوار و قاطع بود و فقط کسانی می‌توانند حق را برپا دارند که در راه برپایی حق سستی نورزند و از استواری دور نشوند و سازشکاری ننمایند. امیرمومنان علی (ع) در توصیف رسول خدا (ص) در برپاداشتن حق چنین فرموده است:

الْمُتَحَنِّنُ لِلْأَخْفَقِ بِالْوَدْعِ وَالِدَّافِعُ جَيْشَاتِ الْبَاطِلِ وَالِدَّامِعُ صَوَلَاتِ الْإِيلِ كَمَا حُدِّلَ فَاضْطَلَعَ قَائِمًا بِأَمْرِكَ مُسْتَوْفِرًا فِي مَرْضَاتِكَ غَيْرَ غُلُولٍ قَدُمٍ وَلَا أَهٍ فِي عَزَمٍ¹

(آن حضرت) گشاینده بسته‌ها و پیچیده‌ها بود، دین حق را به حق آشکار کرد، از نادرستیها و باطلهایی که سر و صدا به راه انداخته بودند جلوگیری نمود و صولت گمراهیها را در هم شکست، همان طور که با تمام قدرت، سنگینی بار رسالت را تحمل کرد، و به فرمانت قیام نمود، به سرعت در راه رضا و خشنودی ات گام برداشت، و حتی یک قدم عقب نگذاشت و اراده محکمش سست نگشت.

آنان که اهل سازش و کوتاهی ورزیدن در فرمانهای الهی‌اند، آنان که اهل تشبّه به اهل باطل و پیروی از روشهای اهل باطلند، آنان که در پی ارضای خواهشها و طمعهای دل خویشند، هرگز نمی‌توانند حق را برپا دارند و از حریمهای آن دفاع نمایند. بنابراین برپاداشتن حق نیازمند قاطعیتی همه‌جانبه است امیر

المومنان علی (ع) فرموده است:

يَقُمْ أَمْرًا سُبْدَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَالِحُ وَلَا يَتَوَلَّى عِزَّ الْمَطَامِعِ²

¹ نهج البلاغه خطبه 72

² نهج البلاغه حکمت 110

فرمان خدا را فقط کسی می‌تواند اجرا کند که سازشکار نباشد و به روش اهل باطل عمل نکند و پیرو
فرمان طمع نگردد.



فصل سوم:

حق و حقیقت در

سخنان بزرگان

- 1- حقیقت همیشه عجیتر از تخیل است. «لرد بایرون»
 - 2- سعادتى بالاتر از این نیست که آدمی بتواند حق و باطل را از یکدیگر تمیز دهد و دل جان را با نور معرفت روشن سازد. «ابو علی سینا»
 - 3- همانا حقیقت و واقعیت سعادت و رستگاری‌ها، در دوستی امام علی (ع) در زمان حیات و پس از رحلتش خواهد بود. «حضرت فاطمه زهرا (س)»
 - 4- حقیقت را می‌باید در قلبهای خود بجوید. «گاندی»
 - 5- کسی که حق با اوست، از هیچ قضاوتی نمی‌ترسد. «اقبال لاهوری»
 - 6- دوست تو کسی است که هرگاه کلمه حق را از تو بشنود خشمناک نشود. «فیثاغورث»
 - 7- حقیقت داروی تلخی است که ثمرات شیرین دارد. «گاندی»
 - 8- تنها فضیلتی که من خواهان آنم حقیقت و عدم توسل به زور است. «گاندی»
 - 9- ضایع‌ترین اوقات زندگی وقتی است که در غیر طلب حق و بیهوده صرف شود. «ارسطو»
 - 10- حق سنگین است اما گوارا، باطل سبک است اما در کام چون سنگ خارا. «حضرت علی (ع)»
 - 11- حق بگوئید تا به حق معروف شوید، حق را به کار ببندید تا از اهل حق باشید. «حضرت علی (ع)»
- «



12- کسی برای دلخوشی تو، حقیقت و دور اندیشی تو را پنهان نماید، در باره‌ات دشمنی کرده است.

« امام جواد (ع) »

13- حق گوش این است که آن را از شنیدن غیبت و شنیدن هر آنچه که شنیدنش روا نیست، دور

نگهداری. « امام سجاد (ع) »

14- عقل و خرد کامل نگردد، مگر به پیروی از حق. « امام حسین (ع) »

15- دل در خلوت مبند که خسته شوی، دل در حق بند تا رسته شوی. « خواجه عبدالله انصاری »

16- حق همنشین این است که با او به فضل و انصاف رفتار کنی و به اندازه‌ای که احترام می‌کند،

احترامش کنی. « امام سجاد (ع) »

17- دعوی مکن چیزی را که نه از توست و انکار مکن حق را که بر توست. « لقمان حکیم »

18- حقیقت گفت مرا برهنه بگذارید و پیرایه بر من مبنید زیرا من هیچ‌گاه از برهنگی خود شرمسار

نیستم. « اعتصام الملک »

18- حق کسی که به تو نیکی می‌کند این است که از او تشکر کنی و نیکی اش را به یاد آوری.

« امام سجاد (ع) »

19- مردانگی، حفظ دین و عزت نفس و نرمش و مداومت بر نیکی و احسان و ادا کردن حقوق و

دوستی با مردم است. «امام حسین (ع)»

20- به کسی که در حق تو بدی کرده است خوبی کن. «حضرت محمد (ص)»

21- می توان یک حقیقت را دوست نداشت، اما نمی توان منکر آن شد. «روسو»

22- بر مصیبت ها شکبیا باشید و معترض حقوق دیگران نشوید. «امام سجاد (ع)»

23- ستیزه مکن، هر چند حق با تو باشد. «حضرت محمد (ص)»

24- بگذار صدها نفر چون من نابود شوند، ولی حقیقت زنده و پا بر جا بماند. «گاندی»

25- هرگز خدا و مرگ را فراموش مکن، اما احسانی که به مردم می کنی یا بدی که دیگران در حق تو

می کنند فراموش نکن. «لقمان حکیم»

26- با تقوا ترین انسانها کسی است که حق را بگوید. «پیامبر اکرم (ص)»

27- مرد بزرگ در جستجوی حق است و مرد پست به دنبال منفعت. «کنفوسیوس»

28- خرد کامل نمی گردد مگر از راه خداپرستی. «اما حسین (ع)»

29- هر کس به مرکب ناحق (باطل) سوار شود، امواج ندامت و پشیمانی بر او فرود می آید.

«امام حسن عسگری (ع)»

30- بر خلاف آنچه که می گویند، حقیقت تلخ است، من از حقیقت شیرینی می چشم. «کمال الملک»

31- هر کس به حق عمل کند، پیروز و سعادتمند می گردد. «حضرت امیر المومنین (ع)»

32- هر ملتی که صفت حقیقت را نداشته باشند بهره از روزگار ندارند « کمال الملک »

33- جر و بحث و مناقشه ایجاد خشم می کند و آدم خشمگین قادر به درک حقیقت نیست.

« کنفوسیوس »

34- همیشه می خواستم که شمع باشم، بسوزم، نور بدهم و نمونه ای از مبارزه و کلمه حق و مقاومت در

مقابل ظلم باشم، می خواستم همیشه مظهر فداکاری و شجاعت باشم و پرچم شهادت را در راه خدا به

دوش بکشم. می خواستم میزان حق و باطل باشم و دروغگویان و مصلحت طلبان و غرض ورزان را رسوا

کنم.

« از مناجات شهید چمران »

35- خدایا می دانی که در زندگی پر تلاطم خود، لحظه ای تو را فراموش نکردم. همه جا به طرفداری

حق قیام کردم. حق را گفته ام. از مکتب مقدس تو در هر شرایطی دفاع کرده ام و

« از مناجات شهید چمران »

36- کشنده تر از نیش مار، بچه حق شناس است. « مارلو »

37- بالاترین بخششها رسانیدن حق به صاحبش است. « حضرت امیر المومنین (ع) »

38- حقیقت را دوست بدار ولی اشتباه را عفو کن « ولتر »

39- پرهیزگارترین مردم کسی است که حق را بگوید خواه به سود او باشد، خواه به زیان او « امام سجاد

(ع) »

40- حقیقت واقعی، در سکوت نهفته است. « پیکاسو »

41- همیشه حق را بدون بیم بیان کن و شیطان را خجل ساز « شکسپیر »

42- دیدی که خون نا حق پروانه، شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند « حکیم شفایی »

43- هر ذلیل و ناتوانی حق را بپذیرد و بدان عمل کند، عزیز و سربلند شود.

« امام حسن عسگری (ع) »

44- عزت و ارجمندی آن است که چون باحق رو به رو شدی در برابر آن فروتنی کنی.

« امام صادق (ع) »

45- پیشینیان شما از این رو به هلاکت و تباهی در افتادند که مردمان را از حقشان بازداشتند و آنان (ناچار با

رشوه) آن را خریدند و آنان را به ارتکاب باطل و نادرستی واداشتند و مردم هم از آن پیروی کردند .

« امام علی (ع) »

46- نادان ذیحق، گاهی به نادانی چراغ حق را خاموش می کند. « امام جواد (ع) »

47- دروغی نیست که جزیی از آن حقیقت نداشته باشد. « ضرب المثل آمریکایی »

48- حقیقت و گل سرخ هر دو خار دارند. « ضرب المثل اسپانیایی »

49- آنجا که حقیقت نباشد همه چیز پست و زشت و مبتذل است. « سقراط »

50- خداوند پرهیز از خوردن مال یتیم را به خاطر جلوگیری از ظلم و حق کشی واجب فرمود.

« حضرت فاطمه زهرا(س) »

51- اگر پرهیزکار باشید و حق را بشناسید و به اهل آن واگذار کنید، خرسندی خداوند را به دست آورید

«امام حسین (ع)»

52- حق را بگوئید، خواه به سود شما باشد خواه به زیان شما «امام جواد (ع)»

53- دوست واقعی هر کسی عقل اوست، و دشمن حقیقی هر کسی جهل و نادانی او می باشد.

«اما رضا (ع)»

54- یاد حق کن، تا بمانی جاودان «عراقی»

55- به پدران خود نیکی و خدمت کنید، تا فرزندان شما هم در حق شما نیکی کنند.

«امام صادق (ع)»

56- ای فرزند در برابر حق خاضع باش تا خردمندترین مردم باشی «لقمان»

57- ثروت حقیقی علم و تقوا است «امام سجاد (ع)»

58- هر ملتی که صفت حقیقت را نداشته باشد بهره از روزگار ندارد «کمال الملک»

59- کسانی که حقیقت را درک کرده‌اند با کسانی که حقیقت را دوست می‌دارند برابر نیستند.

«کنفوسیوس»

60- هر ذلیل و ناتوانی حق را بپذیرد و بدان عمل کند، عزیز و سربلند می شود.

«امام حسن عسگری (ع)»

61- هر شخص عزیز و قدرتمندی حق را رها کند ذلیل می گردد. «امام حسن عسگری (ع)»

62- حق را بگو اگر چه نابودی تو در آن باشد زیرا که نجات تو در آن است. «امام کاظم (ع)»

63- سعادتمند حقیقی کسی که علی را در حیات او و پس از رحلتش دوست بدارد.

«پیامبر اکرم (ص)»

64- هر کس در حق دیگران احسان و نیکی کند، خدا هم به او نیکی می کند، زیرا خداوند نیکوکاران

را دوست می دارد. «امام حسین (ع)»

65- نا حق (باطل را) فرو گذار هر چند نجات تو در آن باشد، زیرا که در واقع نابودی تو در آن است.

«امام کاظم (ع)»

66- بین حق و باطل 4 انگشت فاصله است، سعی کنید این مسافت کوتاه را همیشه در قضاوت رعایت

کنید. «حدیثی از امام معصوم (ع)»

67- اگر نمی خواهی در حق تو داوری شود درباره دیگران داوری نکن. «ابراهام لینکن»

68- حقیقت تلخ بهتر از یک دروغ شیرین است «مثل آفریقایی»

69- در برابر حق فروتنی کنید تا کاملترین مردم باشید. «امام موسی کاظم (ع)»

70- هر که نماز را با معرفت به حق آن به جای آورد، آمرزیده است. «حضرت امیر المومنین (ع)»

71- اراده تنها حقیقتی است که قلب هر چیز است. «شوپنهاور»

72- مرد عادل و خردمند، سرنوشت حقیقی را، طرز استبطاء و حفظ تعادل بین افکار خود و قوای

طبیعت می داند. «مترلینگ»

73- راستی زبان حق است. « حضرت امیر المومنین (ع) »

74- شرافتمند کامل و حقیقی کسی است که دانش او، وی را شریف سازد. « امام جواد (ع) »

75- آنجا که حقیقت نباشد همه چیز پست و زشت و مبتذل است. « سقراط »

76- آدمی قوانین فیزیک و شیمی و مکانیک را به خوبی می‌شناسد ولی خود را نمی‌شناسد و از

نیازمندیها حقیقی جسم و جانش آگاه نیست. « الکسیس کارل »

77- آنکه همواره به حقیقت توجه دارد با همنوع خود به مهربانی رفتار می‌کند. « مهاویرا »

78- از ستایش و عیب‌جویی مردمان هیچکدام را نباید محک حقیقت شمرد ولی از هر دوی آنها می-

توان به عنوان مَحک برای شخص خود استفاده کرد. « واتلی »

79- اگر بزرگی و عظمت را آرزو می‌کنی آنرا فراموش کن و دنبال حقیقت برو آنگاه به هر دو

خواهی رسید هم حقیقت و هم عظمت. « سنکا »

80- آیا ممکن است برای من چیزی خارق العاده تر از حقیقت باشد. « داستایوسکی »

81- انسان نباید هیچ امری را بعنوان حقیقت قبول کند مگر آنکه واقعاً در نظر او حقیقت باشد .

« دکارت »

82- اول مطمئن باش ذیحق هستی، بعد جلو برو.

83- اشتباه می‌تواند حتی از یک شکاف بگذرد، ولی حقیقت در یک دروازه گیر می‌کند.

84- مبدا که ترس از مردم شما را از گفتن حقیقت باز دارد.

85- باید حقوق شخصی خود را با ملایمت و ادب طلب کنیم و ضمناً حقوق دیگران را نیز رعایت نمائیم.

« کایزل »

86- مشعل نبوغ فروغ نیابد مگر آن زمان که نور حقیقت بر آن بتابد. « کنت دوسکور »

87- باور کردن دروغی که انسان صد بار شنیده، آسان تر است از حقیقتی است که انسان حتی یکدفعه هم آنرا نشنیده است.

88- وقت گرانبهاست اما حقیقت گرانها تر از آنست. « میرابو »

89- ما حقیقت را باستعانت عقل نمی شناسیم بواسطه قلب با آن آشنایی پیدا می کنیم. « پاسکال »

90- تمام موجودات خواه با جان و خواه بیجان در جستجوی حقیقت اند.

91- جز حقیقت چیزی را جستجو نمی کنم در هر جا با حقیقت مصادف شوم پیروی آنرا بر خود امری

ضروری می دانم. « فردیک کبیر »

92- جستجوی حقیقت دیوانگی مطلق است چه موقعیکه به حقیقت رسیدید ممکن نیست به کسی

بگوئید و دشمن شما نشود. « برنارد دوسن پی یر »

93- چون حق با من است از تهدیدها نمی ترسم. « سوفوکل »

94- چراغ حقیقت خاموش نشده است و هر کس یُف کند به اصطلاح ریشش بسوزد. « غ - ذ »

95- چون حقیقت را شناختی از آن پیروی کن. « حکمت چین و هند »

96- نفس شریف را به حسن قبول حق و نفس خبیث را به سرعت میل به باطل توان تمیز داد. «سقراط حکیم»

97- حق گو باشید و با صریحترین لهجه حقیقت را بیان کنید.

98- حقایق را بگوئید و مردم را آگاه سازید و مطمئن باشید که کشته خواهید شد. «ولتر»

99- حقیقت را با بی طرفی مطلق و با روحی آزاد از هر گونه تعصب جستجو کنید. «دکاردت»

100- حقیقت چون روغن بادام است. همیشه بخورد دیگران می‌دهیم بدون اینکه بخواهیم خود قطره

ای بخوریم. «مثل نروژی»

101- حقیقت سنگین است لذا عده‌ای معدود حاضرند آنرا تحمل کنند.

102- خوب یا بد حقیقت از تمام مسموعات و مشهودات ما بهتر است.

103- در بطن هر اشتباهی حقیقتی نهفته است.

104- در زندگی ثروت حقیقی مهربانی است و بینوایی حقیقی خودخواهی. «ونید»

105 - دقت در حقیقت امر به خودی خود تحمل ناپذیری ملالت بار است. «برتراند راسل»

106- در میان مردمی که حتی یک آدم بیدار وجود داشته باشد حقیقت هرگز نمی‌میرد.

107- زور حق را پایمال می‌کند. «مثل ایرانی»

108- سرم را بشکن ولی حقیقت را بگو. «مثل یونانی»

109- شخص آزاد آنکس است که حقیقت او را آزاد کرده باشد از او که بگذریم همه بنده و اسیرند.

«کاوهر»

110- ضرب المثلی نیست که در آن یک جو حقیقت وجود نداشته باشد. « مثل اسکاتلندی »

111- عجیب است ولی حقیقت دارد، حقیقت همیشه عجیب تر از تخیل است « لرد بایرون »

112- فحش دلیل آن کسانی است که حق ندارند. « روسو »

113- فلسفه دوست داشتن حقیقت است نه محبتی که برای یک نوع علم با یک مسلک احساس شود.

« بایگون »

114- کسانی که حقیقت را درک کرده اند با افرادی که حقیقت را دوست می دارند برابر نیستند.

« کنفوسیوس »

115- کسی که فقط حقیقت را بگوید، یک اسب تندرو هم لازم دارد. « مثل ایرانی »

116- همیشه حق با کسی نیست که بهتر سخن می گوید. « مثل آفریقایی »

117- هر گاه در گوشه ای در زمین خونی به ناحق ریخته شود همه مردم جهان دستشان بدان آلوده

است.

« داستایوسکی »

118- دشمن حقیقی هر کسی، جاهل و نادانی او می باشد. « امام رضا (ع) »

119- ادب حقیقی آن است که همه رذایل اخلاقی را از بین ببرد. « ابوعلی سینا »

120- برتر از عشق، ثروت و شهرت، حقیقت را نشانم دهید. « هنری دیوید ثرو »

121- عشق حقیقی هرگز به آسانی ره نمی برد. « ضرب المثل انگلیسی »

122- تا زمانی که به توانستن می اندیشید، حق با شماست. « هنری دیوید ثرو »

123- هنر حقیقت را کشف نمی کند، بلکه با آن نسبتی می آفریند. « هایدگ »

124- امید حجاب طبیعت است برای پوشاندن عریانی حقیقت « آلفرد نوبل »

125- عقل به غیر از پیروی حق به کمال نمی رسد. « امام حسین (ع) »

126- هر شخص عزیز و قدرتمندی حق را رها کند ذلیل می گردد. « امام حسن عسگری (ع) »



فصل چهارم:

حق و حقیقت در

دعاها و زیارت نامه ها

فَصَلِّ لِي مُدَمِّدٍ خَيْرٍ خَلَقَكَ الدَّاعِي إِلَيَّ دَقِّكَ «دعای روز یکشنبه»

پس درود فرست بر محمد که بهترین خلق توست و دعوت کننده به سوی حقانیت توست.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ دَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ دَمْدَمٌ كَثِيرًا «دعای روز سه شنبه»

ستایش برای خداست و سپاس گفتن سزاوار اوست آنچنان که شایسته اوست ستایش بسیار

يَا اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَجَاهِدَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ دَقَّ الْجِهَادِ
وَأَتَّهَ بِشَرِّ بِمَاهُوَ دَقُّ مِنَ الثَّوَابِ. «دعای روز جمعه»

و بدرستی محمد که درود خدا بر او و بر آل او بنده و فرستاده توست کوشا بود در راه خدای عزیز و
بزرگ و به جا آورد حق کوشیدن را و البته وی مژده داد و به آن چه را که آن حق بود از پاداش و
صواب.

وَأَرَّتِ الْأَعْتَاةَ وَجَدَّهَا الدَّقُّ «دعای نده»

(ای امام زمان تو پس از ظهور) سرکشان و کافران و منکران خدا را به حق نابود گردانی.

وَاللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ «دعای نده»

ای خدا به واسطه وجود امام زمان (عج) دین حق را پاینده دار و اهل باطل را محو و نابود ساز.

وَأَعِزَّنَا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ. «دعای نده»

خداوند ما را بر اداء حقوق آن حضرت (امام زمان عج) یاری فرما

سُبْحَانَكَ يَا رَبُّ تَعَالَيْتَ يَا دَقُّ أَحِرْ نَامِنْ الدَّارِ يَا مُجِيرُ «دعای مجیر»

پاک و منزهی هستی‌ای پروردگار بلند مرتبه‌ای، ای ثابت و ای حق، ما را از آتش قهرت در پناه خود
آرای پناه بخش.

لَنَا سَدَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ «دعای حزر امام زمان (عج)»

ای سبب ساز برای ما فراهم کن سببی که نتوانیم آنرا جست به حق «لا اله الا الله و محمد رسول الله و
آتش» همه را



صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارَ الَّذِينَ ذَابُوا جَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَ قَرَضَتْ
طَاعَتَهُمْ وَ لَا يَتَّهِمُ «صلوات شعبانیه»

ای خدا (خدایا) درود فرست بر محمد و آل محمد که پاکان و نیکان عالمند که بر ما واجب کردی
حقوقشان را و طاعت و محبتشان را فرض نمودی.

یا هادیاً الی حقایق المؤمنین . « دعای روز نوزدهم ماه مبارک رمضان »

ای خداوند راهنما به سوی دین حق آشکار

هُمَّ أَظْهَرُ بِرِهِ دِينَكَ وَ سُنَّتَهُ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ مِنِّي شَيْءٌ دَقٌّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ

« دعای افتتاح »

خدایا به دست امام زمان (عج) دینت را و سنت پیغمبرت را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و

حقیقت از ترس احدی از خلق مخفی نماند.

مَا عَرَفْنَا مِنَ الْحَقِّ قَدَمًا لَهُ وَ مَا قَصُرْنَا عَنْهُ قَبْلَ عُنَاؤِهِ « دعای افتتاح »

خدایا آنچه از حق که ما را به آن شناسا کردی بعمل آن هم وادار کن و آنچه نشناخته ایم به معرفتش

برسان.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ « زیارت امام حسن (ع) در روز دوشنبه »

سلام بر تو باد ای حق و حقیقت

و جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَتَلْقَى قَيْنٌ . « زیارت امام حسین (ع) در روز دوشنبه »

و در راه خدا جهاد کردی و حق جهاد را به جای آوردی تا آنکه مرگت فرا رسید.

أَنْتَ ظُهُورُكَ وَ ظُهُورُكَ عَلَى يَدَيْكَ

ای امام زمان (عج) به انتظار ظهور تو و ظهور حق به دست تو می باشم .

« زیارت امام زمان (عج) در روز جمعه »

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ « زیارت امین الله »

سلام بر تو ای امیر مومنان گواهی می‌دهم که تو در راه خدا جهاد کردی و حق جهاد در دین خدا را بجا آوردی.

وَالْأَيُّ وَ أَظْهَرَ كَلِمَةً الْحَقُّ وَ اجْعَلْنَاهَا الْعُذْيَا وَ اذْهَبْ كَلِمَةً الْبَاطِلِ وَ
اجْعَلْنَاهَا اسْمًا فَلِي إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

خدایا تو معبود و سید و مولای من هستی. پدیدار کن سخن حق را و آن را برتر قرار ده و زیر پای کن سخن باطل را و بگردان و قرار ده آنرا پایین تر به درستی که تو بر هر چیز توانایی.

« زیارت امین الله »



وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِيهِكُمْ فَلَعَلَّكُمْ بِالدَّقِّ مِنْكُمْ وَاسْتَدْلُ اللَّهُ بِدَقِّكُمْ »

زیارت عاشورا

از خداوند می خواهم که مرا نصیب کند که در رکاب امام زمان که هادی و ظاهر شونده ناطق به حق

است خون خواه « امام حسین (ع) » باشم و از خدا به حق شما درخواست می کنم.

هُوَ الَّذِي دَقَّ لَارِيبَ فِيهَا يَوْمَ « زیارت آل یاسین »

و بدرستی رجعت شما (امامان معصوم) حق است و در آن هیچ شک و ریب نیست.

قَوْلُ وَ أَنْ نَاكِراً وَ نَكِيراً دَقَّ ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّارَ دَقَّ وَ الْبَعْثَ دَقَّ وَ أَنَّ
وَالْمِيزَانَ حَقَّ وَ الْمِيزَانَ حَقَّ وَ الدَّشْرَ دَقَّ وَ الْحِسَابَ دَقَّ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ
دَقَّ وَ الْوَعْدَ الْوَعْدَ عِيدَ بِهِمَا دَقَّ

« زیارت آل یاسین »

و شهادت می دهم که مرگ حق است و فرشته نکیر و منکر حق است و روز قیامت روز نشر و برانگیختن

مردگان حق است و روز حساب حق است و صراط و میزان حق است و نعمت بهشت و آتش جهنم حق

است و وعده نعيم الهی و وعده عذاب و قهر خداوند و بهشت و جهنم همه حق است.

الدَّقِّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا اسْخَطْتُمُوهُ « زیارت آل یاسین »

حق آنست که شما (امامان معصوم) پسندیده و باطل آنست که شما از آن خشمگین باشید.

مَا دَقَّ قَدْ تُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمُوعِ، لَكُمْ عَارِفٌ بِدَقِّكُمْ « زیارت جامعه کبیر »

بردار شمایم و عارف به حق شما.

« زیارت جامعہ کبیر »

وَشَهِدْنَاكَ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ

و شأن ذاتی شما (ائمه اطهار) حق و صدق و مراقت است.

بَدَقَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي مَاءٍ َوَصَّ يَتُهُالِي « قنوت

نماز غفلیہ «

پس تو را قسم می‌دهم به حق محمد و آل محمد که بر آنها سلام و درود باد که حاجتم را برآوری

« نماز امام جواد (ع) »

وَأَن ذِكَّ الْحَقَّ مِنْهُمْ

و در قیامت (خدایا) به آن حقی که از همه باز خواهی گرفت.

ب. ق. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بحق اینکه خدایی نیست جز خداوند متعال « زیارت اهل قبور »

